د مصطفی عمرزی په زیار

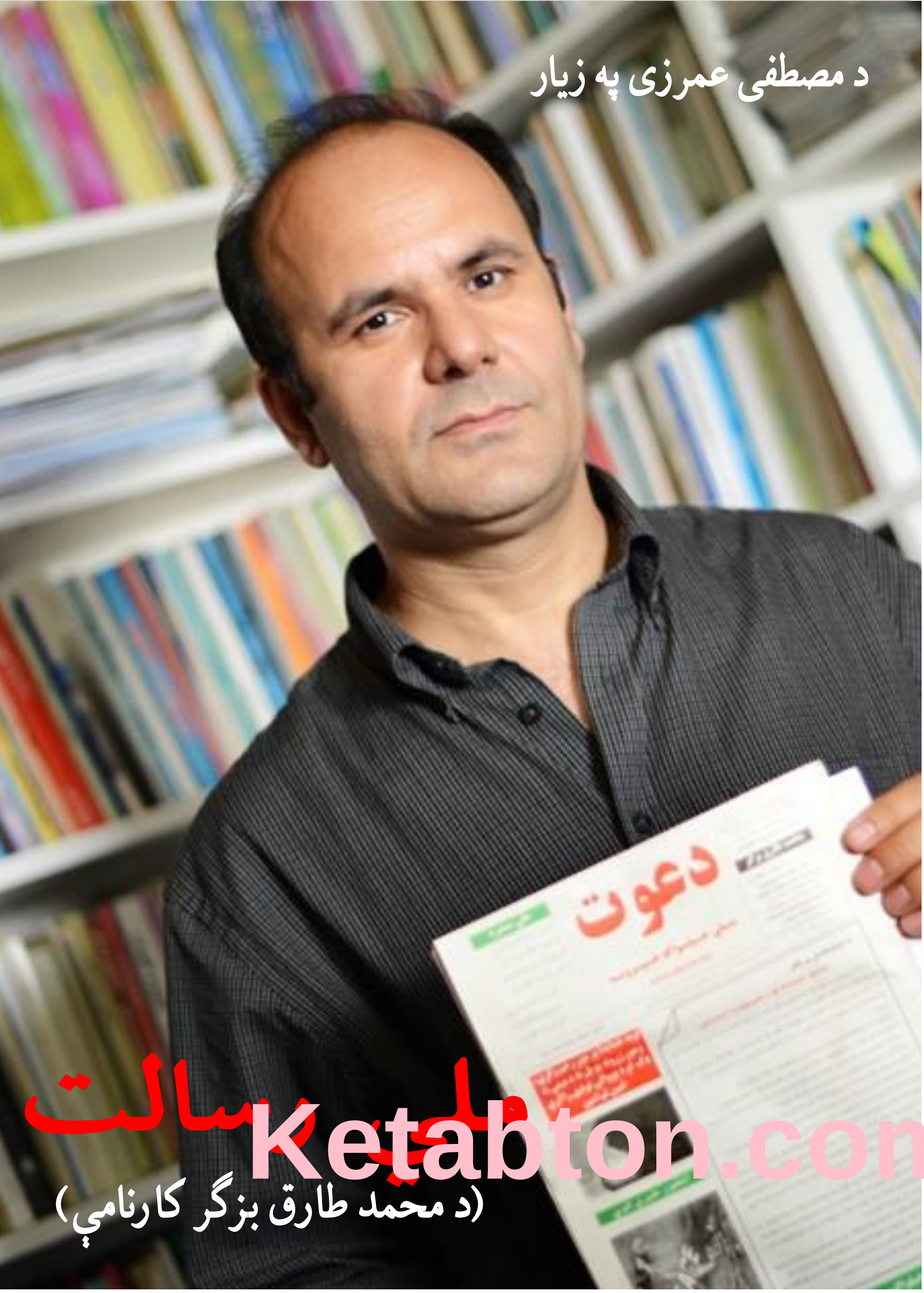

ملي رسالت

(د محمد طارق بزګر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشريې د يو ديرشم کاليزې په وياړ
به افتخار سی و يکمین سال نشريه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زيار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پيژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع-م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف-اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی...1

لمړی ځپرکی/ محمد طارق بزګر..............................5

۲- حبیب الله غمخور...5

۳- محمد نقیب تره خیل...21

۴- قدرت الله هیوادپال..24

۵- محمد سرور وکیلی...27

۶- امرالدین سرحد..28

۷- استاد کم باور کابلی...29

۸- پوهنمل رحمت ځواکمن...30

دویم ځپرکی/ دعوت...32

۹- مصطفی عمرزی..32

۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...............................34

۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی...............40

۱۲- عبدالغفار جُبیر...46

۱۳- قریب الرحمن سعید..48

۱۴- محمد آصف ننګ..51

۱۵- سردار ولی پشتون زوی...54

۱۶- شاهی سعادت...56

۱۷- استاد کاظم بیمار ننگرهاری....................................58

۱۸- شکریه بارکزی..60

۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال...................................61

۲۰- داکتر نبی مصداق...63

۲۱- محمد نقیب تره خیل..66

۲۲- ذاهد جلالی...68

۲۳- داکتر محمد نواب ویساند.......................................70

۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی.........................73

۲۵- فهیم نظیمی..75

۲۶- بیکسیار..76

۲۷- داکتر جمشید سمون...79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی.. 83
۲۹- سرلوڅ مرادزی.. 85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان................................ 87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکړ...................................... 89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد.. 93
۳۳- هلمند پردیس... 95
۳۴- استاد صباح.. 97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی.. 102
۳۶- محمد امین بسمل... 103

دریم څپرکی / پیغامونه.. 106

۳۷- ولي الله ملکزی.. 106
۳۸- استاد عمر پاڅون.. 108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی... 109
۴۰- نجم شینواری.. 110
۴۱- عظیم الدین علیمی... 111
۴۲- استاد صباح.. 112
۴۳- داکتر لطیف یاد.. 113
۴۴- عاشق فنا... 114
۴۵- ف. هیرمند.. 115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان.. 117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام.. 118
۴۸- نیک هدایت ځاځی... 120
۴۹- محمد ایاز نوری.. 121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون... 123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه... 126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست.. 130

څلورم څپرکی / د بزګر څیره... 132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»... 132
۵۴- در مطبوعات غربی.. 136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.................................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن..................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی..163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم...186
معرفی مصطفی عمرزی...200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگيرند، اما ياد شان نرود سرنوشت مملكت در گرو افكاری ست كه يكی با دعوت ديگری از زنگاره های باد و بوران تاريخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت ديگران، صورت حال صفای افغان هاست. در اين كوشش در هجرت سعی می كردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روايت سياسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ويژه افغان های مهاجر بود، اما ويژه گی بسياری آن ها با ترسيم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دايم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هايی كه به مناسبت های دعوت، پيرامون او و نشريه اش نوشته اند، حضور محسوس تاريخی دارد. بر اين اساس ترجيح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم كه بسياری در شمار افغان های مهاجر، خيلی بهتر از برداشت من از كارنامه ی او می دانند: قيمت سال ها ايثار و دردسر فرهنگی در ديار هجرت، چه قدر است؟
راويان كتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح كرده اند. كار من در اين اثر، بيشتر تنظيم نقش ها، نگاره ها و نوشته هايی بود كه گزيده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمين آبايی و اجدادی نيز شمرده می شوند.
آشنايان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ايثار يك فرزند باوجدان اين كشور، راه گشايند تا در اين مثال، بازخوانی تاريخ غير سياسی افغان ها هم كه رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهيم كند: نياز به گردآوری و تنظيم تاريخی داريم كه در برگ های زمان هجرت در هر جا كه قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در اين كتاب، گزيده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشايند تا از عواطف، درك و احساسات ملت كه در حاكميت های كمونيستی، تنظيم و ملايی، اما حق حيات ما را فراموش نكرده بودند، به پيام هايی ملحق شوند كه از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سياسی، زير فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزګر

د محمد طارق بزګر د دعوت جریدې
او ویب پاڼې مسوول مدیر لنډ ژوندلیک
حبیب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې شکلي شعر په لوړېني سره زموږ د دې ځوان او هځاند فرهنګي شخصیت، لیکوال، او ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژندنه پیلوم.

د وطن د شرف سپریم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولې دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه لیکوال او فرهنګی څېرې **۲۳** کلن فرهنګی او ولسي چوپړ یادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.

د پیل خبرې:

درانه لوستونکي خبر دی چې د سویډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمی او فرهنګی چوپړ د درنښت په ویاړ د روان کال د دسمبر پر لسمه یوه درنه غونډه رابللې ده.

یا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او یا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه یو رسېدلي چې د خپلو شخصیتونو ژوندلیک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندلیک د مانۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندلیک به تر دې چې ما لیکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هيوادوال اشنايي ولري، خو د دې ليکنې نه زما موخه داده چې له يوې خوا مې د هغه زيار او زحمت ستاينه کړې وي او د بلې خوا مې لړ او ډېر د دې دروند شخصيت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سويډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له يوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پيوند کې روزلو اړتيا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو يو شمير هيوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زياته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پايله کښې پر دې بريالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړی ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سياسي او ادبي شخصيت ارواښاد ګل پاچا الفت په وياړ نړيوال علمي سمينار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمينارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سياسي شخصيتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصيت سره معرفي شوم. زمونږ دوستی او د ګران هيواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګی همکاري او هڅې تر نن ورځې پورې دوام لري.

دا چې په سويډن کښې د ژوندو فرهنګيانو، اديبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاينې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په وياړ يو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د وياړ ځاي دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونيوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړينه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په مونږ افغانانو کې د خپلو ژونديو څه قدر نسته. کله چې خداي نخواسته مړ سي، يوه نيمه ورځ ئې وير وکړو او بيا د ابد لپاره رانه هير سي. هغه د محترم ننګيال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسيزه کښې د ځوانو فرهنګيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پايله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازې له هيواد نه بهر بلکې د داسې ستاين غونډو لمن تر افغانستان پورې هم غزيدلې ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنګيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هڅوئ د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړيږي او د همدې غونډو د جوړيدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هڅوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازې فرهنګي شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولې سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل سوې، چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکارندويه بېلګه ئې ګڼلای سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه يوازې د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په أسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولې، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشريدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبريږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګي چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه ليکل سوى چې مياشتنۍ خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوى مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.

زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکې مشورې او معلومات ترلاسه کړل شي.

زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژونديک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندې ډېرې خبرې وليکم. دومره غواړم ځرگنده کړم چې دعوت اوس يوازې داسې خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دى.

طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگي چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگي ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگي ټولنو په نوښت علمي او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيوني چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.

زه محمدطارق صاحب ته پدې وطني او ملي فرهنگي چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګی چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپیژنم.
زیږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څېره او ژورنالیست محمد طارق بزګر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ ته په ۱۳۴۵لمریز کال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښاد عبدالقیوم بزګر په یوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولي دي.
ارواښاد عبدالقیوم بزګر د کابل پوهنتون د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژیمونو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.
ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښار په مختلفو ښوونځیو کښې سرته رسولي دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادریې لیسې په یولسم ټولګی کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړاندې د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کیده، ځکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برۍ پاي ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هم د ناروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسته ئې دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه به تل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنګی چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزگر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پورې د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښې په پښتو، درې، اردو او عربي ژبو خپرې شوې دي. طبيعي ده چې تر اوسه ئې له نېکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوی او ګوتې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداې ورکړې استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواې ماتولاې. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپي رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپرونې چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پورې کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پورې رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبي سره مينې او محبت د د ې ټاټوبي اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګی رښتياني او ګټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د ځرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پورې رسولې دي.

دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کښې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم ځرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېري ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بېلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارگانو او خپله ښاغلی بزگر صاحب د ژورنالستیک او فرهنگی خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډیرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښې ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وگټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنگ ډیر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیایې ډیر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر گوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وایي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپیلې او بې پرې تگلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنگي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توگه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانگړې توگه د افغانستان ناورین ځپلې ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرگوټ یې د درو تېرو لسېزو خونړیو جگړو په ترخ کې په ژورو گړنگونو اوښتی دی.

جگړې نه یوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکگرو او ښکیلاکگرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډیرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردي په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ويبپاڼه يوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بيا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تويوي.
په وروستيو وختونو کې د دعوت ويبپاڼې انځوريزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله يې لا ښکلا ومونده.
کانديدای اکادميسين او تاريخ پوه محمداعظم سيستانی صاحب هم د دعوت ستاينه کوي وايي:
دعوت با چاپ، نشر و توزيع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترين تحولات اجتماعی و سياسی متعلق به کشور جنگ زده‌ء افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بينم، اين رسالت را به نحو تحسين برانگيزی ايفا کرده و می کند.
ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزيار صاحب د دعوت دشلمې کاليزې په مناسبت خپل ليږل سوی پيغام کښې ليکي:
زه پر خپل وار د دغې ټولملي مهالنۍ شلمه کاليزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نيکمرغه او ښه وايم. ټولمنلتيايې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې يوخوايې د درو خپرنيو(پښتو، پارسي او انگليسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل يې له ټولو رسنيزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او ليدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې اېښې ده. په دې توگه يې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځايه نيوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاريخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سياسي، اندپوهيزو او ژبتوکميزو او بيا د بهرنيو بادارانو له گټو وټو ځاروي.
د ژوند په داسي ناخوالو کې يې ډير کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دريغه مينې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.
مطبوعاتي کار او ديوې ملي خپروني پرمخ بيول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وينو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندې ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزگر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.

تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسويې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ گرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د گران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندې روانه ده او د حقایقو په نشر ـ او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندې نده تللې او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي خیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.

د افغانستان له پلازمینې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنیز بهیر کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښایی د اوسنیو ټولو پښتو خپرونو او خپرنیزو بنسټونو سرلاری یی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ یم چي زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانیدلي چي د خپلی ژبی لپاره یی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لاییی هم ورته ملا تړلي چي تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاځون لیکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهیسي په اړیکه کي یم. دعوت د لاس په لیکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډیر زر یې ټایپ ته لار ومیندله چې په ډیر لنډ وخت کي کمپیوټر ته ننوت چې چاپي جریدې سره یې یوه د دعوت ویبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت یوه جریده نه بلکه یوه میډیا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه یواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنیانو ته هم په انګلیسي او نارویژي ژبو په زړه پورې لیکني وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډیر بهرنی لوستونکی او لیکونکی لری.

انجنیر فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې ډول شریکوي:

زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکي لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد ایاز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنیر فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وایي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار وو او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنۍ د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت جریدې او دعوت ویبپاڼې د ارزوني کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزګرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړاندې لیکي، دعوت هغه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسیزو کې یې د افغان ولس ملګرتیا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانک ډالۍ کړي دي، خپرونې ورته پوهه، مینه او وروروليي ورکړې ده. د نېکمرغۍ ځای دی چې دې خپرونې دوې لسیزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر یو څو ګڼو وروسته یې بیا څرک نه لګېږي، خو دعوت برېښنایي نړۍ ته هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر ګوټ ته یې ځان ورساوه، چې په دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزګر هڅې د ستاینې وړ دي؛ چې په دومره بوخت ژوند کې یې شپه او ورځ پر ځان یوه کړې او دغې خپرونې ته یې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جریدې او ویبپاڼې په اړوند د ځینو پوهانو نظریاتو ته یوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکړه چې دغه نظرونه پخپله د ښاغلي طارق بزګر د لنډ ژوند اوږد داستان بیانوي، په لوستلو ئې لوستونکی ته له ورایه څرګندېږي چې ولې موږ د ده قدر کوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنګیانو، ادیبانو، پوهانو او عالمانو په نظریاتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سیمینارونو کې برخه اخیستل:

لکه څرنګه چې د لیکنې په پیل کښې مې اشاره ورته وکړه، بزګر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپايي هیوادو او امریکا کښې د افغاني فرهنګی ټولنو په نوښت جوړې سوې په یوشمیر نورو هغو نړیوالو کنفرانسونو کښې هم برخه اخیستې؛ کوم چې د دولتونو او نړیوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلګې په توګه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپریل پر ۲۵ او۲٦ د ((اکو سیستم د بوټو څخه ونه د ساینس نظر او چلنجونه او د اکو سیستم او د غربت مخنیوی)) ترنامه لاندې د ملګروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشاپ چې د ډنمارک هیواد د کوپنهاګن په ښارکې د دې هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمې پورې د قانون ایښودونکو ټولنو له خوا د G8 (۸ ستر صنعتی هیوادونه) اجنډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامه لاندي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.
۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کښې د ۸۰ هیوادونو د چاپیریال ساتني لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.
۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بیځایه مصرف مخنیوي)) ترنامه لاندي ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هیوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصي روزنې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.
۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لوری د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د ناروي هیواد تروندهایم په ښار کې علمي کنفرانس.
د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، ناروې، سویډن او نوروهیوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.
د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بی سی پښتو او فارسی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیواله راډیو فارسی، الما‌ن غږ دویچې ویلې پښتو رادیو سره په سلګونو سیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صاحب سره د افغانستان د ورځنیو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېرې مرکې سوي چې په نارویژي اخبارونو، راډیو او تلویزیونونو برسیره په یو شمیر افغاني مجلو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.
د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پوره پوهیږي؛ خود دې ژبو ترڅنګ یوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او نارویژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وایي د کتابونو ټولولوسره له ډیر پخوا مینه او علاقه لري. همدا ډول په زرګونو انځورونو، ویډیوئې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولوکښې د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزګرصاحب د کورنۍ کتابتون یوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعالیتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځیني یې تقریباُ بشپړ او یو شمیر به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ نارویژی پښتو ډیکشنری چې تر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګلیسي له ژباړې او تشریح سره.

۳/ پښتو((۱۰۰۰)) متلونه د انګلیسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو لیکنو او مرکو کتابونه د کلکسیون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما دیوې پوښتنې په ځواب کي راته وویل: اوس د ناروې د دولتي ټلویزیون (nrk) سره په ځینو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تلیفون له لیارې کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاینلیکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امریکا په شمالي کلیفورنیا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوری ودې ټولنې، په امریکاکښې نور ټلویزیون او سویډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې له خوا په ستاینلیکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د یوې پوښتنې په جواب کښې راته وویل چي درې ورونه او څلور خویندې لرم. هغه زیاته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او یو بل

(c) ketabton.com: The Digital Library

وروور مې د عربي ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.

د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خویندو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.

بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشرى زوى ئې سمون جان یونیم کلن دى.

ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وايي. یوخوږ مجلسه سړی دي.

هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادیبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څېر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ څکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه ورې فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايلـه کښـي زيات علمي، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپروني لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلي هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه بڼه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولای سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.

د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينــه ده چـــې د هيـــواد د داسي ځوانـــو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړی او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړی او د دوئ نه وغواړی چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پیرزوینو ونازوي.

د خپل هیواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر یوې بلې پېړۍ پورې هم د ګاونډیانو او نړیوالو د اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او فرهنګی ستم او تیري لاندې وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهې او خپل منځی مینې او محبت زیاتېدو لورته د پیاوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هیواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصیت د ستاینې او هڅونې په هیله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریښتني شخصیت

محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتني شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.
هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جاطلبه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګه چې همداسې په افغان ټولنه کې وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هیواد دننه او بهر په لس هاوو ګوندونه- تنظیمونه په سل هاوو ادبي- فرهنګي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسان او قوم پالني ترنامه لاندي جوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسانیت او قومیت پلورني هټۍ ګرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثرو افغانانو عادت شوی. له ټولنې حیا کډه شوی او بېشرمي په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداګر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.
دا منلي او عملي شوې وینا که انسان قدرت ته په ګونډو نشي- ثروت ته خامخا تسلیمیږي. بزګر هم د ابراهیم ابن ادهم غوندې د خپل مضبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتني وینا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.
ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکې معظمې پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې څیرې او شړېدلې جامې ګنډلې، پر آس سپورکس یې تر څنګ تیریږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب یې کوي، ورته وایي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصیبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وایي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهیم ستنه بحر ته گذاره وي، بیا غږ کوي، راکړه ستن مې، یو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نیولې وي. وایي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه یو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، یو یهودي هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقیب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تمیږي. خو څه وخت چې ابراهیم د ناستو کسانو خواته رسیږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږیره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وایي زویه! که مې دا ږیره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې یم بیا نو زما ږیره ښکلې ده، هلک ړومبې خجالتیږي، بیا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کیږي.

بزگر صیب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستۍ کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ریښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر ځنگ یې د حق په پلوۍ او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنیز سنگرجوړ کړ. یقیناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقیقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ریښتینولي او یومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهیم د ادهم اولادې ته د پلار میراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصیت مشروعیت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بایللو سره جوخت بېشخصیته هم شول، خو ابراهیم چې یو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقېدې په مضبوطتیا د نفس په سپېڅلتیا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو یې خپل کوچنی او لنډ عمره شخصیت ستر او تلپاتي کړ. د دې تر ځنگ یې آن د کورنې مړ شخصیت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقیقي شخصیت ښه ښیي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزګر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهې او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزګر چې زه يې پېژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلي بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيرېږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپېڅلي مبارز دی.

زه ښاغلي بزګر له ډېرې زمانې راپېژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږېږو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهېږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له درييمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کوي.
له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په ننني سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپرونې پیل کړي دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.
ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کړې دي.
له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولي دی، چې ښه بیلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.
په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پرېښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکیلي

زما د مینې او ورورګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنیو هېوادو کي نورو خپرونو هم پیل وکړ، خو ډېرو یې سقوط وکړ او ځینو یې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکیه لرله
د سیاست له مخې د هغې سیاسي تکیي څخه یې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي یې؛ نو بېخي ډېر لږ یې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه یوازې او یوازې ستاسو په عالي ابتکار، زیار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی لیکه نو مي تل پر پښتنو لیکوالانو د اړېغ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړۍ، ځکه دا مالي بار پریوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غیرت او ژورنالیستۍ واک په یوازې سر تر دغه ځایه را ورسوله. تاسو رښتیا هم چي د قدر وړ او د ستایني وړ یاست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امین!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزګر ته!

امرالدين سرحد

منډې يې وهلی يو پښتون په کلی کور کښې
دا يې وويل: چی لر و بر سوځی په اور کښې
ماتری اوريدلي په غوږو می يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کی ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چی «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چی ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د«عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په«بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د گراني ملي فرهنگي څېړې طارق بزگر
نمانځغونډې ته زما پېرزوېنې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل يوه شعر پېلوم:

لکه تيره د بيابان تل په يو حال يم
ونه، نه يم چې بدله په موسم شم
سر به هيڅ د مريتوب چاته ټيټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښايست له پرستشه
که لاهو په اباسين يا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وينه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېډن کې د زلمو پاڅون ټولنه له يوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېړې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زيار ستاينه او يادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وايم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت يې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته يې غونډه رابللی، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په يوازې ځان کلونه کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاريخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځايه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظريات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډبری درنه ملي- فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دريوو لسيزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښويدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګي شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترځنګ ولاړ دې.

دې دا دوه لسیزې اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاریخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپین ته سپین، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وایي. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره یې یوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مریان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګیرونه ګالي، زیار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتیا هم د زیاتې ستاینې او درناوي وړ دې.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو سترړیاوو، شوګیرونو او ملي فرهنګي هڅو ته د تعظیم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سیدجمال الدین له ټاټوبې راټوکېدلې دغې فرهنګي څېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملك و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ویشتمي کالیزې په ویاړ

سراج الحق ببرک زی ځدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د د عوت میډیا ځلرویشت ویبپاڼې مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل ګرځیدلي دي.

ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چینې په څېر خپل رول لوبوي.

رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توګه اتکأ لري.

ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترګې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلې ژورنالستیکې دندې په تر سره کولو کې څه رنګه خپلې موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.

په دې کې هیڅ شک و شوبیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودې ټولنو او اکاډېمیکو بنسټونو او همدارنګه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډګر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکې، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.

د دعوت خپروني محتویاتو او منځپانګې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي ګټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلې کوډکسونو ته جدي پام کیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.
دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعیض او پاروونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلې دی. د دعوت په اخبار کي هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.
د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:
اټکل له پینځه سووکلونو راهیسي اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.
د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسي بریښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړې توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انترنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.
تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چیني ګڼلي کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چیني ګڼلي شوي دي.
د یوه اخبار یا مهالني ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کې د خپلوي یو ګډ احساس وموسي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کې د ټولنې د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګډ محسوسوي.
د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ویبپاڼه کې د سیاسي او ټولنیزو مسایلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پیل وکړو. د هیواد په دننه او بهر کې د چاپیدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډیره ټیټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هیواد کې خپرونې پیل کړي وې. زه هغه مهال یو کال مخکې تر دې نیټې د خپل ګران هیواد له پلازمېنې کابل څخه پیښور ته او بیا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل یو دوست ما ته د دعوت اخبار یوه ګڼه په پوسته کې راولیږله. په لیک کې داسي هم لیکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بیا بیرته راولیږه او یا یو بل افغان ته یې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړیو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پیسې هم نه وې. اټکل درې یا څلور کاله ورسته مي د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بیا مي خپله قلمي همکاري هم ورسره پیل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتویات او کاري کیفیت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمینالوجیکي ارزښتونو، ملي او سیاسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنیزه لیکنې، تاریخي ادبي مضامین، د افغان لوړ پوړې سیاسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصیتونو، د نظر خاوندانو خبري اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتیا او چاپیریال په هکله هر اړخیزه مالومات، په ځانګړي ټوګه د افغانانو د لسیزو ناورینونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د یووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړیوالو منلي شوي معیارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هیواد پالنې او د هیوادنۍ مینې یوه بله ډیوه ګرځیدلي ده.

دعوت، ډیرې علمي، سیاسي، تحقیقاتي، څېړنیزه او تحلیلي لیکنې خپروي، د بیان او د آزاد فکر ژمندویې کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحیې او سیاسي وېښ شعور د پنځیولو او جګیولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.
د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپییلې خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي وروروولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکي هلې ځلې کوي.
ډیره د خوښي خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.
د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:
بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښي او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.
د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.
زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.
د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښایې د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چې اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه ګڼل کیږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبرې مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز:

د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلې خپروني ښه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کې په یوه ښکلي ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې خپرېږي او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلي ډیزاین او رنګه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپیګل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلې ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوویشتمې کالیزې په ویاړ:

زه د یو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيزخبريـال بزګـر صـيب اوسـپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کډوالۍکې يې دغه رسنيزه بنسـټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توګـه مـديريت کـړي او تـر ډېره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکـولای شول د ډېرو اقتصادي ستونزو او لږو مـالي مرسـتو سره سره د افغانـانو د ګډوالي په اوږده تاريخ کي د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسـټ د يـو ملي تاريـخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهـر کـي د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيـدلي دی. د دعـوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټـولني لـوړ پـوړي پرګنـې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کـور ګنـې، ځکـه يـې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلي دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایهٔ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناوری برخوردار شد، و در رشتهء کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمـر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پاڼه

عبدالغفار جُبیر

د ((دعوت)) مجلي او ویب پاڼي مؤسس ښاغلی مشر- ورور محمد طارق بزګر صاحب هغه څوک دئ چي د لومړي ځل لپاره یې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ میلادي کال کي چاپ شو، که زه په لنډو کي درته ولیکم: ((ښاغلي بزګر صاحب زه لیکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ یا ۹ کاله مخکي دعوت ویب پاڼي ته لیکني لیږلي، چي کله به مي یوه لیکنه ولیږله، د دوهمي لیکني لپاره به بزګر صاحب تشویق راکړ، او وبه یې هڅولم چي بله لیکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساینسي- څیړني ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سویډن کي تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزګر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنیا او آخرت کي پوره عوضونه ورکړي. (امین)

د ښاغلي محمد طارق بزګر صاحب ښکلي ویب پاڼه چي مخکي د (افغان سباوون) په نامه او بیا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره یوه هر اړخیزه او معلوماتي ویب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکي همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کي څو څو ځلي ګورو؛ دا ځکه چي داسي لیکني پکښي شتون لري، چي په نورو ویب پاڼو کي نشته او بې بېلګې دي. اسلام، سیاست، ساینس، سپورت، تاریخ ، د نړۍ هیښونکي او هر ډول لیکني، کتابونه او ویډیو ګاني پکښي شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولي پیغام، د نېکمرغۍ ولولي، د سکون ټکور، د پرمختګ لارې چارې او داسي نور اړین توکي پکښي پراته دي، نه یواځي د هغو افغانانو ولولي او احساسات منعکسوي چي په لویدیځ کي اوسیږي بلکي د ګران هیواد افغانستان ورځنۍ تودې پیښي او ناخوالي هم پکښي رانغښتي دي، چي همدا د دې ښکلي پاڼي یوه ځانګړتیا ده. د بزګر صاحب په دې نړیواله پاڼه کي علاوه له دې څخه چي افغاني او اسلامي لیکني خپریږي بلکي ازادې لیکني هم سته، چي کېدای سي همدغه لیکني په ډېرو ویب پاڼو کي شتون ونلري، چي مطلب مي دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورناليزم د اصولو مطابق د بيان ازادي يې هم پلې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستي او يا يې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخيزه مجله ده.

بزگر صاحب موږ د ((دعوت)) مجلې هره گڼه را ليږي. کله د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسي گڼه گوڼه جوړه سي چي بيا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيا يې تر ملگرو او دوستانو پورې رسوو، چي له دې ښکلې مجلې څخه موږ هر څه لکه: سياست، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړېدي. که زه په دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعوت مجله او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعارف دی.)) الله جل جلاله دي و بزگر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملی وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي- وگړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـی پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایډ څخه، میاشتنی خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري گټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترخنگ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنی خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیړنیـزه سیاسي ټوله به لمړی چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یي هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانگی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی گټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلگونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک گرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او د نانندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنی د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنی د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او ناروېژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي يی انځر نيتي ليکني تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يی هم د هيواد سره د ميني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي څرګندی شوي، بلکه په يوه متحد پليټ فارم د ولس د راټوليدو درووند مسؤليت يی په غاړه اخيستي او تر اوسه پوري دغه درووند مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طارق بزګر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مي کليزي په مناسبت د زړه له کومی مبارکی وايم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لا زيات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعنې د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼې دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتنۍ مجلې او بیا د اقتصاد میاشتنۍ مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طې کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلې شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړي چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلې شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډېر اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر ـ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلېده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کي تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کي د وطنپالني تر څنګ، خپله بي طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یې ښې ډېرې مقالي خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کي د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کي د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کي دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چي رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسې بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کي خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکي ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کي خواله رسنۍ، تویتر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چي د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله یې ختمه کړه؛ بې بندوباري یې وزیږوله، د حق او باطل، د سهې او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک یې مشکل کړ.

بل دا چي پدې مرحله کي د چاپیزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزورۍ شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کي دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱٦ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شوی، ابله بازاري او اپلت پیامونه او مقالي قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کي د سولي غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کي د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چي دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دې. ويپ پاڼي کي دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توگه هغه کتابونه چي ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کي به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چي که دعوت د مهالنۍ يا فصلي مجلې په حيث په عصري او رنگه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعي کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډېر خلک انترنيت ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کي دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چي خدای مکړه بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلويښت کاله يې دوام وموند؛ وطن يې هم ړنگ کړ او دوه ميليون وگړي پکي شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چي مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چي له دعوت مي ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چي امتنان يې وکړم.

له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلي څخه يې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلېو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.

۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدین افغان لیسي یا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه یادېږي. دا چي د دې تعلیمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ځارونکي تل د همدې ادارې وه. یوه ورځ یو ځارونکی له یوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د یو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دودیز سبک له مخه د پښتو کتاب د یوې پاڼي د متن ویلو وویل؛ چي باید په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وویل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼي یاد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وویل چي له دې مجلې څه وواېه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وویل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي لیکل سوي:

((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وایي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.

وروسته څو نور ټولګیوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.

ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم یوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنـداري ارزښـت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سینګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، یوه ښوونکي مي راته وویل چـي هغـه سـتا سره مجلـه د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورین تندی ورکړه، خـو مجلـه مـي بیا ونه موندله او ښوونکي به راتـه وویـل چـي زه بـه بیـا بلـه درتـه راوړم. اتکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغـواړم، خـو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډېرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلرى د یوې لارښود په حیث خپل رول لوبولی دی)

شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنیاد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. وینښ انسانان، قومونه، ولسونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یي د حقایقو پر بنسټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.
که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو ښکار شوي دي نو یا خو یي نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.
که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غوږونو تر ننه پورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شوې ده او څومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.
د دغو ټولو حقایقو په نظر کې نیولو سره باید ووایو او دا ومنو چې معلومات او رسنی زمونږ د ژوند او مرګ سره تړلي دي. دا باید ومنو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونو ګټې له خپل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښې ویني. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.
ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالستانو څخه دی چه خپل ټول عمر یي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یي په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنۍ سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کي سرګردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره ګرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسي کولي او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځي دا نه چي د خپل هیواد له حالاتو خبریږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کي د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننگرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځې څخه بیا تر نن ورځې پوري د گران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلې ځلې کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر۔ او کشر۔ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو گرځیدلی، او د هغوی افکاریې راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.
د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، څکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.
دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي.
دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قیام کړیدی او په دغه لار کې بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.
دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیچا ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنگسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانگۍ رسوا کړیدي.
دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په میړانه وجنگید او د خپل ملت په راویښولو کې یې پراخه ونډه اخیستې ده، او تر هغه وخته وجنگید تر څو چې سور استعمار په شا تگ ته مجبور شو.
دعوت د گاونډیو هیوادونو لاس وهنې غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنگه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښي په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خوداراديت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلې د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کې د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یې هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یې وطنوالو ته دا ثابته کړیده چې دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کې به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کې همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یې او حرکت یې ژوندی ساتلی دی. او هر کله یې چې بې روا او بې عدالتي لیدلې ده هغه یې رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې تړړي دي چې دعوت لا هماغسي-ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یې د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه

چې د خپل وطن غمونه یې په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کې په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پرې مونږ ویاړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کليزې په وياړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډېر وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکې يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوری فعالیت د هېواد نه د باندې ډېر سخت دی، ډېرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډېر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربیره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډېر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدۍ چې لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مګر ستاسو نشريي دا راته وښودله چې نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريي له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډېر د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډېره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډېر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د ګټو او ملي شتمنيو، څيرو او ملي څيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته ورو پيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مي کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چي په پېښور کي د دعوت د خپروني د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو ګڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کي ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يي تنظيمي وې چي يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنګ او جګړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخيدې، د هېله مندۍ مطالب په کي کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چي لا تر اوسه يي زده کړې نيمګړې او راتلونکی يي نامطمين مګر هيلي زياتي وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريده کي مي برعکس هغه څه پيدا کړل چي مايي لوستل غوښتل:
د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکي چي د کډوالۍ په چاپېريال کي په نظر نه برېښېده مګر نومونه يې آشنا او هېلي ورته زياتي وې.
په ټوله کي جريده په ملي موخو څرخيده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.
په ۱۹۹۱ ميلادي کال کي زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کي نه انټرنيټ و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړيکو نورې اسانه وسيلي. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کي نور د علاقه مندۍ څه نه و پاتي؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کي په خبر يا مضمون ارزيده. مګر په افغانستان کي خبرونه ډېر او اکثر يي د انديښني وړ وو.
د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يې د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تیاری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په گران هېواد کي پیښې دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتې کېدو لپاره مې د دعوت د جریدې سره اړیکي اړیني وبللې. ښاغلي بزگر صاحب ته مې لیک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغې وروسته د دعوت جریدې په مسلسله توگه راستولې او په دې توگه یې د گران هېواد د ترخه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کالیزې په مناسبت څخه په گټې ښاغلي محمد طارق بزگر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یوازې ما سره د دوی د ځانگړي پیرزویني بلکې همدارنگه د هېواد د تاریخ په ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډگر کې د دوی اغیزمن تاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک څښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنگ به له پېښور څخه خپرېـدې.

په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنگ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چـې پـه افغانسـتان کـې د روان جنگ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزگر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه استوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنيـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزگـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروگرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له ايډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.
زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.
محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجلې نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرى او را پاتي کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچيني له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړني شوې دي.
زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوى د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه ګټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزګر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ويشتمه کلیزه دې مبارک وي

محمد نقيب تره خيل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وايي چې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کيږي.

زه له ۲۰۰۱يوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صيب سره د تليفوني اړيکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم يو. احساساتي جذباتي او د باجګيرۍ خبري چې هېواد، ولس، قوم، ژبې، دين ته خدمت کوم هيڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په ياد خدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصيت يې د فضليت، تقوا او د ښو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښه کوي چې يو وخت به يې بدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مينه کوي چې خلک مې وستايي، دا هم اخلاقي عمل نه دی. اخلاقي عمل هغه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلي په اړوند به له بزګر صيب سره د شوي عمل يادونه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زما د پوښتني په ځواب کې داسې وويل:

افغان کولتوری ټولني کولن کې غونډې ته بللی وم. د دعوت يو ګڼونوال ته مې يادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګڼون روپې دې راکړي. ويې ښيه! ښايسته ځنډ وروسته راغې. له يو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ يې راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خيست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه ګون ورکړی، هاغه هم د سوالګر په څېر.

هو؛ د قناعت نښه يې دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره يې نه د چا ملاتړ او نه يې د چا مخالفت کړی. د وينا تر حده عمل يې

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یې د زړه ورتوب نښه ده.
پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یې کولتوري ټولنۍ په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یې وکړې، مجلې یې راوویستې، سایټونه یې جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یې ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاینان، جنایتکاران او فاسده ادارې یې نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یې هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپېڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترځنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندې تل پاتې وفادار لرې چې هر رېښتنې افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره له ماشومتوبه اشنا یم. هغه مهال زه د هجرت دیار د نوښار سیمه کې د جلوزو پر سړک په یوه کمپ کې اوسیدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزګر صاحب تر کلیو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بیا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، لیکنې و ژباړې مې پیل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه یو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کې د سترو لیکوالو ترڅنګ نشریدې.

له دعوت سره زما اشنایي اوږده شوه او تر دې ځایه راورسیده او لا پر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. یوه دا چې له هماغه پیله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو لیکوالو لیکنې هم په کې خپریدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نګارګر، هاشمیان، څېرکیار او نورو سترو لیکوالو او پوهانو سره یې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نن سبا خو د هرې رسنۍ پر تندي د ((ازاده او خپلواکه)) شعار لیکل شوې، خو تقریباً هره رسنۍ د یوه جهت له لورې تمویلیږي او د نورو نظرونو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نه ده. دعوت کې ربښتینې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وایم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای یې دعوت دی.

د دعوت تر شا ایکې یوه سته ده او هغه طارق بزګر صاحب دی. بزګر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً یو محترم او د پراخې سینې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلینو د مجلې مسوول، بزګر صاحب راته څو وار په خپله ویلي چې د محصلینو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د یوه کتاب د چاپ لګښت یې په خپله غاړه اخیستی، تر څو د سید جمال الدین په اړه دغه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ليکل شوی کتاب په ټيټه بيه د خلکو لاسونو ته ورسيږي او د هغه په اړه پوهاوی زيات شي.

بزگر صاحب، فرهنـگ دوسـته سـړی دی او د خپلـو وطنوالـو د علمـي پرمختگ له پاره يې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يې احترام کوم او هيله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څير نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ویبپاڼي په هکله یو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ویساند

وروستیو نږدې څلورو لسیزو پرله پسې غمیزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زیانونه واړول. نیم ژوبله تولیدي بنسټونه یې په بشپړ ډول ویجاړ، کاري بشري ځواک یې له هېواده د یو زیات شمیر په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنیزو رسنیو (میډیا) چارې (چاپي، انځوریزې، غږیزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائیه، مقننه او قضائیه) وروسته په سیاسي، ټولنیزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعیت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د یوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او ربښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړ.

خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هیوادونو کې میشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هیوادنۍ مینې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوریزو او غږیزو خپرونو له لارې د خپلو شونتیاوو، وخت او شرایطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت میډیا، چې په پښتو، دري او انګلیسي-ژبو خپروني لري او اوس یې ۲۹ یمه کلیزه لمانځل کیږي، د یو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورنالیست او په خپلو خلکو او هېواد مین شخصیت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زیار وروسته په کار پیل وکړ. په دغه تیرو کلونو کې یې نه یواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تیریدو سره یې د یو لړ نوښتونو په راوستلو د ویبپاڼې بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلې ځانګړنې له کبله د ډېرو معتبرو ویبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړی ارزښت لري.
لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.
دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.
زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او نښلول‌شوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سیمو اوسېدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولي دي.
خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انټرنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.
د دعوت میډیا له لارې نه یواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغېز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونې د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څېړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړیني موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ویشتم خپرنیز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پیل نه راهیسې، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هیوادونو کې يې تيت او پرک ژوند له سره تیراوه د لاندې دوه دلیلونو په بنست یوې اغیزمنې مطبوعاتي کمیونیکیشن لاسوند ته اړتیا لیدل کېده:

ــ خپل منځي اړیکي د تامینولو په مقصد

ــ د وطن د حالاتو نه خبرتیا

دغه اړتیا د افغانستان نه د باندې افغاني میډیا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړیو کلونوکې د نړې په ګوت ګوټ کې بې شمیره خپرونو په کار پیل وکړ چه زیاتره یې د بهرنیانو له خوا تمویل کیدلې. د وخت د تیریدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تیر شو؛ یوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمویل ډاډمنې سرچینې

ــ مسلکي مدیریت

ــ تکړه قلمی همکاران

ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرینو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه ګڼل کیږي چه د نوموړې معیارونو په بشپړیدو، توانیدلې نهه ویشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هیواد د اوږدې غمیزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاریخي شخصیتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پیکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مینو افغان شخصیتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولرې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثيقې په توګه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړي ده. د ژبې، قوم، سيمې او مذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينګ ملي مورچل د دريځ نه د مقابلې جوګه شويده او د افغانانو د سياسي شعور د ودې په استقامت يې اوچت ګامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکې، په پښتو، دري ژبو خپرونې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمو وروستي خبرونو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ويشتمي کليزې په مناسبت مبارکي وايم او ورته د هيواد په خدمت کې د لازياتې هڅې او زيار هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزگر صاحب سره ډیر کلنونه پخوا په یوه میلمستیا کی په لندن کی ولیدل او په تصادفی توگه اشنا شوم او له همغي ورځي د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریاتو د خپرولو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسیله گرځیدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زیار د دی باعث وگرځیدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیات مینه وال پیدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو په ټینگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کار او زیار ایستلی او لوی مطبوعاتی او ژورنالیستیکي خدمات یي په پښتو او انگلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زیات د قدر او ستایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنیتی سایت او فیسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډیر مینه وال لری. زه فهیم نظیمی د ښاغلی بزگر صاحب د زیار، هاند، لیاقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او ویاړم چی ښاغلی بزگر صاحب او د ده ټیم دا ټول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانگو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وایي ((یو شور یي د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتیني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې سترېيا او بې خوبي مې هډو پېژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرگ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتني ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وایي.

هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې گوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له گوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره سترې مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینگلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرگ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالگین طنزي ډیالوگ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟

ـ نه.

اوس نو زه داسې لوېدلی وم چې د خوږو بيان يې نور هم په ناسور زخم د مالګې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه يو همژبی، نه يو کليوال، نه يو دښوونځي يا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشيني، هېڅ هم نه، ابۍ مړه تبه شلېدلې.

د نهيلۍ، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروايي حالاتو کې، د اروپا په دائيم الدائيم تورو وريځو، يخونو، بارانونو او ځول کې چې ښايي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې يو دوه ګامه ژوندون لنډول

د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چې يوه ورځ بيا يو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وايي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غونډې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانيست او ومې لوست، کيسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپير درلود لکه بېخي له کومې بلې سيارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کړې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ايزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې.

دغه دعوت د افغانيت دعوت و، دغه دعوت د اسلاميت دعوت و، دغه دعوت د غيرت، ننګ، ناموس، حيا او د وطن د مور د پړوني دعوت و.

دغه دعوت د هغو مهاجرو خوېندو، ميندو د لوپټې دعوت و چې: چايي پلو ليدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښې ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه يوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چې پکې د ممانړو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکيو، بغلاني هندوانړو، قنداريو انارو، جوزجاني پستو او خوستيو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چې د هـرې ګڼې پـر تنـدي لیکلـې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومـه شـعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسکونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولي دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طارق بزګر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولې کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کلیزې او په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د ښې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لتې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې ځیرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړې وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځې د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتې مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب تړینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبریدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکټر صاحب روح الله ساپي او ډاکټر صاحب جان محمد اپريدي په څنګونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپرونې ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه– نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟
د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه راليږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورته راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلې روږدتيا او د ځينې کتابونو او ضروري موادو د پېرودنې لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو ګرځېدم، نو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سترګې روښې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکه توره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کوله چې ځنګه کولای شم ويې وينم، صوفي صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزګر راوړي، که غواړې زه به يې د دفتر د ټليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټليفوني اړيکې په مټ مې د پېژندګلوۍ تر څنګ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فريد بزګر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لومړي ليده کاته کې يې د مينې او زښتې مهربانۍ د څرګندولو تر څنګ د دعوت خپرونې په څو وروستيو ګڼو او همدارنګه د ORA او KOR نادولتي موسسو د ګڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکتر صاحب بزګر د ORA له دفتر، د هېوادمل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسيا سافټ)) له دفترونو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتي ژورناليست او مهربان اجتماعي شخصيت ښاغلي محمد طارق بزګر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زموږ له پراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره ښځه نه کموي، فکر او قلم یې همداسې سپېڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د وياړني يوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسيزې وړاندې، کله چې زه هم د زيات شمېر نورو افغانانو په څېر جلا وطنۍ ته اړ شوم، د برخليک څپو زه د جرمنې خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلۍ دوره په اروپا کې تېره شوې وه، خو داسې يو هېواد ته راتګ، چې ژبه دې نه وي زده او وګړي يې انګريزې ژبې ويلو ته هم لېوالتيا نلري، ځينې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تګ نه تر کارومونډنې پورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهال، چې د نن په پرتله ټکنالوجي دومره پرمختللې نه وه؛ د انټرنيټ او ډيش انتانونو نه شتون هم موږ له دې نه محروم کړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لويه خوشالي به دا وه، که کوم چا ته به زموږ ليک رسيدلی و او د هغوی لخوا به ځواب را ورسيد او يا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسيدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځينې ورځپاڼې يا بهتره ووايم جريدې تقريباً په منظمه توګه رارسيدلې او تر لوستلو وروسته به لاس په لاس کيدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چې په يادې دي: «وفا» چې بنسټ ګر يې ارواښاد پروفيسر- رسول امين او سرمحقق زلمي هېوادمل يې مديريت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مديريت، «آئينه افغانستان» د ښاغلي سيدخليل الله هاشميان په مشرۍ او «مجاهد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل په مديريت.د دغو ورځپاڼو په لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېوادنۍ مينه خړوبيدله او هم به اپډيټ کيدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» ۲۹ کليزه ده، نو زه به هم د دغه رسنۍ (ورځپاڼي او ويبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کې پنځيدلی نظر وړاندې کړم.
زما په اند د هرې برياليې رسنۍ په هکله چې خبرې کيږي دا په حقيقت کې د هغه رسنۍ د مدير او کارډلې د برياليتوب په هکله خبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د لیکوال د شخصیت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځیني بیا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چې کېدی شي یو څوک ښه شخصیت ونلري، خو ښه آثار یې وړاندې کړي وي.

له نیکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدیر ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابېږي، چې هم دروند شخصیت لري او هم درنه او بریالۍ رسنۍ چلوي.

یو څو ټکي د ګران بزګر صیب په هکله:

ډېر اجتماعي او د اړیکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه یې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورنالیستیک کار، له حسد او دښمنیو نه لیرې او بس هسې خوږ انسان.

یو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هیڅکله یې ژېړ ژورنالیزم ته مخه نکړه؛ د پیسو او نورو امتیازاتو لپاره یې څوک بې ځایه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل یې ملي ګټې په پام کې نیولي او په هېواد کې د خیانت، فساد او ملي خائینیو پر وړاندې یې د مبازې بیرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صیب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کلیزې او بریاوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بیان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کلیزې په ویاړ!

تر نورو خبرو مخکې اړینه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کلیزه او په راوروسته کې د دعوت بریښناپاڼې شپګنیزه او بریالۍ چلونه قدروړ او منلي شخصیت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بیا لیکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپروني او بریښناپاڼې سره همکاري لري او اړیکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووایم.

له هېواده لیرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېریال او نیشت امکاناتو، د خپروني د وسایلو او تخنیک د تیارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صیب ۲۹ کلن قلمي او پوهنیز زیار چې مهالپیر یي تر ننه پورې د یوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه یوازې د ستاینې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې یوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل یې باید هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپروني ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او یوازې ځینې مې لوستې او بریښناپاڼې سره له پیله اړیکه پالم، خو سړی ویلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بریښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بیان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بریښناپاڼو پریماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بیان ازادۍ سره د بریښناپاڼو او خپرونو چلند یو راز نه دی. یو شمېر یې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورنالیزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهې له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پېچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتیا او د هغو ساتنه او همداراز د بیان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که یوه خپرونه یې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له یادو شپګړو څخه یوه یې پېکه او یا دواړه یې پیکه او یا یې هیڅ ونه لري، څوک یې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځینې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځینې نورې لکه دعوت بیا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په یادو برخو کې کومه نیمګړتیا ونه لري، خو تر کومه چې زه یې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بریا پلونه اخلي او د لا بشپړتیا او پرمختیا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او لیکوالو د لیکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کیڼلارو، ښیلارو، منځلارو او ګڼلارو لیکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې یې د بیان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هیڅ لیکنه چې ښای ځینو به یې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه لیکنې، خپلو بیلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بریښناپاڼو ته هم لیږم، خو د ځینو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورین تندي دا لیکنې خپروي چې ترې مننډوی یم.

یو وخت ما بلې بریښناپاڼې ته لیکنه لیږلې وه. په لیکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه لیکلې وه، نوموړې بریښناپاڼې چې نوم اخیستل یې اړین نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګلید په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص یې د ارواښاد تش یوه کلمه قدرې هم پیرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره یو ځل بیا دلته رااخلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هویت، خپل تاریخ او روایاتو په منځپانګه بډایه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپریږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتیا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مینه زیاتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کیږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زیاتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکې ته یې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابریاوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزگر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزگر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بېلو هیوادونو په تېره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډېر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروگرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلې. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه گڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابګوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د ځانګې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې څيړنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پښتي لرله او اضافي ليکنې يې په انګريزي کې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمني کې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کيږي او يا ملي نه دي، لکه د "اميد" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې يوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کيږي.
لکه چې ړومبی مې وويل چې شپاړلس کاله کيږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زيار راووځي په باندينيو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ايستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ايستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځير شي ليکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زيار ايستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر يو مثال کيدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش يوه برخه د دعوت په ويستلو باندې لگوي. له دينه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ايستل د پيسو د پاره نه وي او نه هم دا د پيسو گټلو لار ده، هغه هم په باندينيو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگنديږي.
دعوت د هيواد په دواړو رسمي ژبو خپريږي، خو د پښتو پله يې درنه او افاده يې هم معياري ده. په هره گڼه کې يو يا ده ليکنې په انگريزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتيا د هغې د ليکنو څنگه والی دی. ليکنې يې نږدې ټولې د افغانستان د پيښو په تېره د سياسي پيښو په اړه تحليلي دي، مهمې نړيوالې جاري پيښې يې هم په مخونو کې راوځي. په ليکنو کې يې په موضوع گانو باندې بحث کيږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سياستونه به پکې ډانډس کيږي او ټکول کيږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه ياديږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټينگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په ليکنو کې د فرد حيثيت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپيڅلي نه کڼل کيږي، هغه سپړول کيږي يا يې قدر کيږي يا بېرحمه نيوکې او وارونه پرې باندې کيږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئوليت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت ليکنې نه ننداره ييزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډير علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستيالان دي چې د وطن د پيښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې ليکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې ګډې موخې په لور په لويدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه ځرګنده، لوړه او ګټوره بيلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو به يوه بل باندې پيژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترينه ګټه واخلی. دا يو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او ګټورتوب به يې زيات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر برى غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزگر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحیم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومې تبریـك وایـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاریخ او په ځانګړې توګه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانـه یـوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شـمیر هغـه هیوادوالـو چـې د ډیرو ستونزو په ګاللو سره، هیواد او هیوادوالو تـه د خـدمت او خـیر پـه نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاریخ یوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیـر صـبر نـه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدیخوا زمـوږ هیـواد د پردیـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو میـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په ګریوان دي. که څـه هـم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعده شوي ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هیـواد نـه بهـر میشـته افغـاني موقوتي خپروني او الکترونیکي وسـایل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښایي چې د خپـل موجـود لـوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نـورو ولسـونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظیفـه یـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذیبی هویـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشري تـولنې سره د سـوله ییـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هویت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.

دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.

کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.

په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.

د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه
هلمند پرديس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږيږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډګر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردېدلي ولس سره تړلې او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درونده بار ته دا نهه ويشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابۍ راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړې دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې موږ تاسې نهه ويشتمه کليزه لمانځو.
محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنګ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم وروڼه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولې ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کېښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ايستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مين وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګيده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مینه وه، چې ما به د انټرنیټ له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میډیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمګړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستې، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، ځکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستې او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړې دي.

په پای کې زه مشر- بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنوینده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندۀ کشور امید داشته باشند. همـۀ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلۀ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیک است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـک و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیۀ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درویشتمی کلیزی په ویاړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دین بیان ستر امانت دئ
په وطن باندی یهودو یرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خیانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را تول شوي
سر و کار يي شیطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډیر مو مسوولیت دئ
له دعوت سره د دین دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه یو وصیت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!
محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او ملي هڅاند افغان په لاس ایښودل شوی نیالگی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیالگی د هجرت، غربت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کې کښېښودل شو، چې د راتوکېدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هیلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنگین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویشت کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کیږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کلیوال او سیمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شي گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تویه کړي له سترگو
چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې
د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي
امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنزل ته په الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت میوه لرونکي نیالگي ته، چې ایښودونکی یې یو داسې پتمن افغان دی، چې د توصیف لپاره یې د پوره الفاظو په راټولولو کې ځان عاجز گڼم. زموږ دا گران افغان محمد طارق بزگر نومیږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همت، هېوادپالنې او متانت په اړوند زموږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کړي، خو کوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

- د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
- د پراخې سینې (حوصلې) څښتن
- ماهر او هېوادپال ژورنالست
- جذاب، حلیم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخېزی پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نیکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکې لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورليږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کټګورۍ کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګې.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کې وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له باېرن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دريم څپرکی:

پيغامونه

د منزل په لور د دعوت ديرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړيوال ستيج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوريو او تهذيبونو د عروج او زوال تابلو ته ځير شو، نو هرو مرو به مو يقين راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسيدلو لپاره په پيړيو پيړيو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د ځواک ځولۍ ډکه، ارته او وغوړيږي.
د رسنيو دنيا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو يو ستومانه او ديته ورته تاريخ لري. د لرغوني چين دنګ ديوالونه، د بغداد منارې، د بيروت کوڅې، د اروپا ښيرازه ورشوګاني او د امريکا سيلکن ويلي، ټول د دی شاهدان دي چې د نړيوال کلي جوړول او يوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګيرونوته اړتيا لري؟
له نن ديرش کاله وړاندی، د دعوت په نوم يوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره يوځای شوه او پدی زيره او شګلنه لاره يی قدم وهل پيل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پيسي نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو ليکنو او مقالو کمی وو، خو ټينګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه.
دعوت کومه اسماني صحيفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغيو ته ببوزی وهي. دعوت د دريو لسيزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړی او نه يی د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رښا مبارزه برياليۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د ميني ساندې زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستونې نرموي.
کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ويبپاڼې بڼه غوره او د انټرنيټ په نيلۍ سپره شوه، نو غږ يی د نړۍ په ډيرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کې غوړونه پیدا کړل. دا اوسنۍ کلیشه یې د یوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماینده ګي کوي او ښایسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کېږي.

څما کشر ورور او د یو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرلید خاوند دی. د مالي او تخنیکي ستونزو سره سره یې و کولای شول تک تنها دومره غټ او درونډ پیټې ته اوږه ښکته کړي او دی ځایګي ته یې را ورسوي.

موږ ولیدل چې د روسي ښکیلاک په مهال او بیا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپرونې را میدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلې وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولی دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، میدان یې پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یې همداسې جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنیو په کتار کې خپل پرستیژ لري او د خبر او څېړنو د یوې سرچینې په توګه ور باندې حساب کېږي.

هیله مند یم چې دعوت به د تیر په څیر، په راتلونکې کې هم د خپل دین، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپرونې به لا وغوړیږي، لا به وځلیږي او لا به ګړندۍ او میړنۍ شي.

سکرمنتو، کلیفورنیا - امریکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملګرتيا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملګرتيا ډېره پخوانۍ ده چي لسګونو کلونو ته رسيږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کي وو په قلم به په ځو محدودو مخونو کي په لاس ليکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپيوټر او د انټرنت نړۍ کي لوی او بيل ځای لري. دعوت يواځي يوه چاپي جريده نه ده د دې په څنګ کي ځلور جلا ويبپاڼې، دوه پښتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، يوه انګليسي www.dawatmedia.com او يو پښتو ټلويزيوني چينل www.astv24.com چي لا هم د کار لاندې دی، چي په دې سره دعوت يو رسنيز مرکز دی، يو ځواک دی، يو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله يم چي دعوت خپله ديرشمه (۳۰) کليزه لمانځي. اوس نو يو سړی په زغرده ويلی شي چي د خپل هېواد څخه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو يوه نړيوال رسنيز مرکز (دعوت ميډيا) شته. دا ټول د محمد طارق بزګر نه ستړيکېدونکی هلي ځلي دي چي په يواځي سر د دعوت جريده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نږدی ۵۶ هېوادونو کي خپلو افغانانو او غير افغانانو ته رسيږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کي د خپل شخصي لګښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسي ډول چاپ، خپرول او تر مينه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چي دا ټول محمد طارق بزګر صاحب په يواځي سر پرمخ بيايي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کي ورته اوږد عمر او قلم يې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مينه والو او په سر کي فرهنګيانو او فرهنګپالو څخه هيله لرم چي دعوت درني ميډيا او په سر کي د دعوت دروند مشر محمد طارق بزګر صاحب يوازې پرې نږدي لکه چي تر اوسه يې يواځي پرېښی نه دی. په راتلونکي کي همداسي خپلي ټولي مادي، معنوي او فرهنګي مرستي رواني وساتي، تر څو په بهر کي زموږ دا فرهنګي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ
او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.
زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.
الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.
الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر څه مې له دعوته زده کړه،
او ډېر څه نه پکې خبر شوم

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!

بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده و روسته چې مصر کي د پښوانيو افغان محصلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پيـل شـو، يـوه ورځ مـي د يـو افغـان محصل گلاب سيد په کوټه کي د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور غور مي ولوستله، ډېر مطالب پکي وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پيښـور نـه يـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملگـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگـه راځـي؟ وايي دا په اروپا کي ځيني افغانان چاپوي، او بيا يـې پـر افغانـانو مفتـه ويشي، وايي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتلـله، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلين تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، ورروسـته بـه زمـا وار وو.. ډېر څه مي پکي زده کړه، او ډېر څه نه پکي خـبر شـوم، او ډېـرې دعاگاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندگلوئ هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځاي موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څېړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتي بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې
خپل روښانه افغاني دریځ درلود
ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړي دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپریږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.
دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.
د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.
زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر د اوسنی نړیوال سیاسی- کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزگر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.
بزگر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسانی روښانه څراغونه دي چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادۍ او خپلواکۍ رڼا خوروي.
د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونگین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانۀ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانۀ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتۀ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندە گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانۀ دعوت میدیا به همۀ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونـد علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالـو چـه پـه تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نـه ګټـې پورتـه کـړی وي بایـد اوس پـه دینـی، سـیاسي او اجتماعـي علومـو کـی لکـه یـو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښـی زده کـړی ورنـه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلـې شـپې او ورځـی مـو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او اسـتقلال لـه پـاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسـی نور بـری غـواړم او د دعـوت درویشـتمه کـالیزه د زړه لـه کـومی تاسـی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاهٔ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د اديسی ادبی ټولنی پيغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور وياړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاريخ پاڼی يی هم په د دستور رنګينی کړی دی، نو ځکه د پښتانه په کور کی د جنګ او د دغه وياړلی تاريخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کيږی؛ خو بل طرف پوهه او قلم دی چی ننی پرمختللی جهان تری برخمن دی او راتلونکی يی هم روښانه ښکاری، مګر پښتنو پدی برخه کی ډير کم فکر کړی دی چی د پوهی او قلم سړی د سر سړی بلل کيږی، خو دا بيا زموږ ګاونډيو هيوادونو درک کړی ده چی زموږ د پوهی او د قلم سړی يا د مرګ کندی ته ورغورځوی، يا دوی بايد د غربت شپی د بل په ديار کی صبا کړی او موږ لا تر اوسه پدی فکر کی نه شوو چی د پوهی او د قلم خاوندان بايد ولمانځل شی، ونازول شی، تر څو پدی لار کی نور خواری هم وکړی.

جنګ په هر رنګه حلاتو کی پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلری. علت يی دا دی چی پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم يی بايللی دی.

د افغانستان په ټولنه کی عموماْ ډيرو کمو خلکو ديته پام شوی دی چی علم او پوهه د يوه هيواد راتلونکی مسير ټاکی. هغه چا چی د علم او پوهی څخه ګټه ليدلی او تری خوشاله دی، ځکه چی ده په دغه لاره کی ډير زيار او زحمت ايستلی دی چی نورو ته يی هم ګټه ورسيږی، ژورناليست، ليکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صيب يادوم.

ښاغلی بزګر صيب د ژوند په دغه راز پوهيدلی دی چی علم او پوهه د انسان راتلونکی تقدير او تدبير کی جوړونکی رول لری، او همدغه علمی پوهه ده چی نن انسان تر مريخه هم رسيدلی دی.

ښاغلی بزګر صيب د پښتنو او پښتو ژبی له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چی هر انسان باندی خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لری چی ورته خدمت وکړی، نو ځکه بايد سړی په ځان شپه او ورځ يوه کړی او عملی کار وکړی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزګر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم ګړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی، او همدارنګه په علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلګه ده.

ښاغلی بزګر صیب د ملی یوالي په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزګر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د اديسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلي خپرې کړې دی

نیک هدایت څاڅی

نیکې هیلي او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت وېبپاڼي او د پښتو لمړني انټرنېټي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډېرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندې په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هیلي یي په دعوت کي خپرې کړې دي؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یي کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډېرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼی او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي.

ستاسو لابریاوي زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ويب پاڼې تاثير خورا لوی بولم

محمد اياز نوري

د دعوت د رسنيو د مرکز محترم مشر، افغان ملی شخصيت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او شې هيلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ويب پاڼې درويشت کلنه کليزه د زړه له کومې درته مبارکي وايم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجوديت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه يعنې په وياړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټيز لوی اهميت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خيانت ورسره شوئ او دا کرغيړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهير کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ويب پاڼې تاثير خورا لوی بولم او په ځانګړي توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زيار او قرباني ډېره ستايم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زيار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ برياليتوب ته نه وای رسيدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار ول او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان يې په دننه د هيواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ويب پاڼې په هکله زما يو وړانديز دا دئ، چې د هر ليکوال په نوم، يوه د آرشيف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د ليکوالانو د آرشيف په نوم چې که خپله اړونده ليکوال او يا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تيار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چې هیواد او ملت مې ډېر راته ګران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پال وطنوال ته ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزګر صاحب ته شه روغتیایي حالت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژوند کې د لوی الله څخه غواړم. بزګر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتګار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منَه، ستاينه او خواله

استاد محمد اسمعيل يون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!

سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډېره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډېرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلي ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څیرو له ښکارندویی څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځیني وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډېرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډېرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.

آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت ړنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولي او ويې ويل پښتو او پښتونولي خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخواني ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره ورانيو تر څنګ يې د افغاني ـ پښتني ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ړنګوني او لوټوني پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمې ځينې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتنی ضد نانډريزه اداره جوړه شوه د ((شني ليکي)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب يې هغه د چا خبره غوړ هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګه په څو ډلو وويشل شول: [۱] انترناسيونالستان (د سرې ليکې پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شنې ليکې پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولګوي. د انترناسيونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پريږده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيږي. موږ خو اوس لاس ترلی، او فکر ترلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي ترلی.

تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړوندېږي، پښتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړي او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کي له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، څکه چي همدا درد ستاسو په زړه کي هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني دروليږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکي د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتني او انساني لارې یو بل یون
مارچ ۴/ ۱۹۹٦- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلي محمد طارق بزګر وویاړشو

د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلي حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، وروسته د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې ویاند ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلي مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلي او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن ویاړمن فرهنګي خدمت ستاینه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هیواد ملي ګټو او د افغانانو ملي یووالي ته ژمن شخصیت وباله او د مهاجرت په شرایطو کې یې د ښاغلي بزګر په نوښت او میړانه د د عوت د جریدي او په را روسته کې ورسره د بریښناپاڼې په بریا چلولو کې د نوموړي هڅې او زیار د قدر وړ وګڼه. هغه په وینا کې زیاته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه یو نړیوال تلویزیون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زیار یې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخیزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د درونډ استاد روستار تره کي پیغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته یو زیات شمیر پیغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هیوادونو او لویو وچو څخه د هیواد دردمنو لیکوالانو، شاعرانو، ژورنالیستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په ویاړ او درناوۍ رالیږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورنالیزم په ډګر کې د نوموړي د زیار او هاند ستاینه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته یو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کیدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سیف الرحمان شیرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت څواکمن پیغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پیغام له کوټې څخه، ښاغلي همایون ننګرهاري د نیک هدایت ځاځي پیغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجینر فضل احمد افغان پیغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاوید مومند د عمر پاڅون پیغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پیغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدین شعر د بزګر په ویاړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پیغام، د بلژیک څخه د ښاغلی امین باوري پیغام او د اوکراین د اديسې ادبي ټولنې پیغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د یو شمیر نورو پیغامونو لنډیز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.
د غونډې ورپسې ویناوال له مالموښار څخه راغلی دروند میلمه ښاغلی حبیب الله غمخور و چې په زړه پورې وینا سره یې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وینا په یوه برخه کې وویل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازې فرهنګي شخصیت دی بلکې یوکارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره تولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکاره بیلګه یې ګڼلای سو.
ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازې د بیلوبیلو مقالو په لیکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په اسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې یې نه یوازې دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څیړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس یې د ۱۹۹۷ کال راپه دیخوا د دعوت جریدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.
ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې بزګر د نړیوالو لیکوالو او ژورنالستانو له خوا یاد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره یې د امریکایی لیکوال ښاغلی بروس ریچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه یې ((افغانستان: رښتیا پلټنه)) نومیږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د ویاړ ځای دی او د دغه کتاب لیکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او یادونه کړې ده.
ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخیسته.
بل ویناوال ښاغلی حفیظ الدین پیرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورنالیستي ګټورو خدمتونو ستاینه یې وکړه او د ستر لیکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره یې غونډه توده کړه.
همداراز ښاغلي ډګروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوځنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نیم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فیلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کورودانۍ ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړې دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلي بزګر صاحب ته د ښاغلي ډاکټر سرلوڅ مرادزي او د ښاغلي حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چوڼۍ یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست تراني غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، څرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم!
همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، مېړانې، پاڅونونو، سرلوړيو، ښاديو او رازونو سره ملګرى پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړيوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کې يې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تياره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړيوالو ليکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنګين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دى.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وايم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شريک بولو. بزګر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځلوړم ځپرکی:
د بزګر څیره

در مستند ناروېژی «پناهنده»

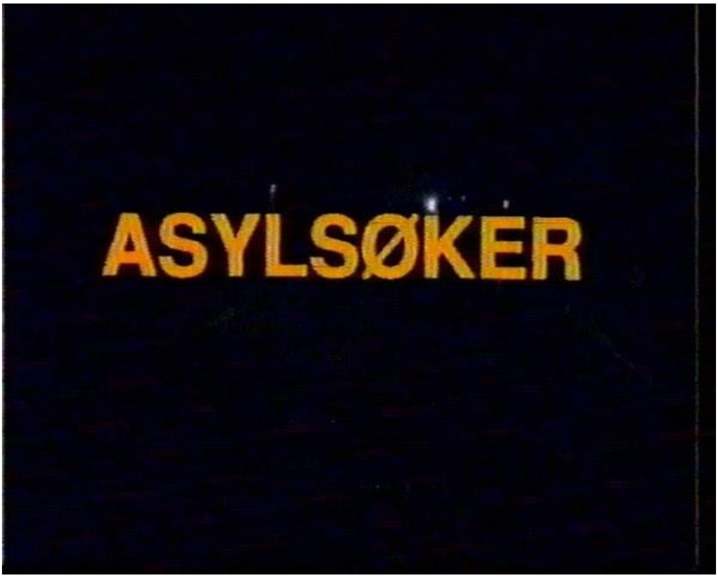

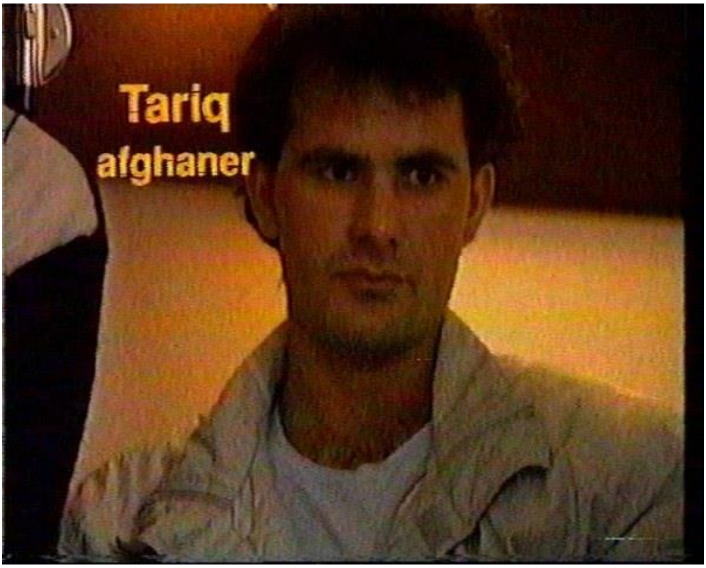

(c) ketabton.com: The Digital Library

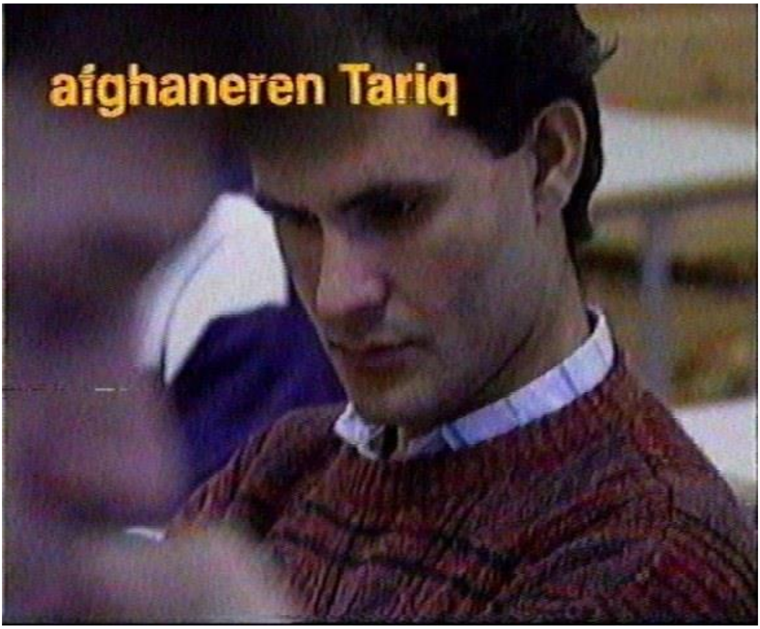

(c) ketabton.com: The Digital Library

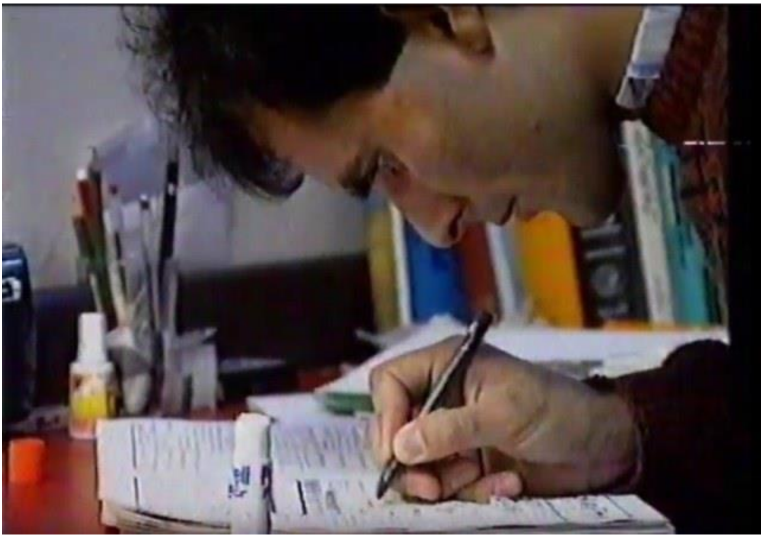

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

Romerikes Blad

– Takker Gud for at DATTEREN MIN LEVER

Strømkabel drepte hunden

Niåring fikk strøm gjennom seg

SIDE 8 OG 9

SØNDAG 3. DES. KL. 14.30

CON AMORE

SØNDAG 3. DES. KL. 17.00

KJETIL OG KJARTAN

14-19

Er du på boligjakt?

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. [illegible] kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at [illegible]

mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man [illegible]

(c) ketabton.com: The Digital Library

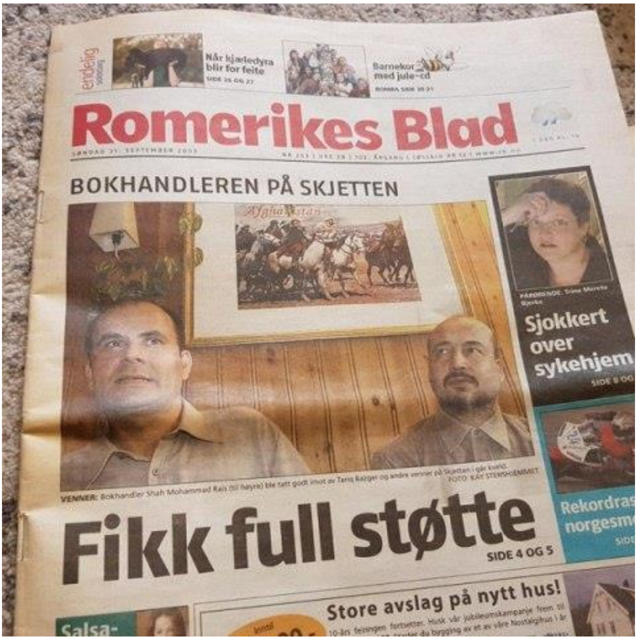

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet Vest Posten

LAUSSAL KR 4,00

INSTALLASJON

Ulstein Elektro AS

NR. 113. 61. ÅRGANG LAURDAG 28. OKTOBER 1989

Fløstranda godkjend:

Ingen rotter, ingen røyk

Kidnappa banksjef

Livet har vore langt

Libra-akustikk i Olavshallen

Vikebladet/Vestposten

Første opphaldsløyve for afghanarar

Asylmottaket på Hareid:

Næringslaget sikra lokal leveranse-pal

Ny runde i «Grimstadvatnet Rundt»

Tareq - også frå Afghanistan, kom til Norge 4.oktober 1988. Han vart lenge halden på pinebenken. Først 1. september 1989 fekk han melding om at han ikkje fekk vere her i landet. Han anka, men har enno ikkje fått svar på anken. Torsdag 4.januar var det 15 månader sidan han kom hit. Fristen er ute, men kva lagnad departementet vil gje han, er framleis uvisst.

Farhad kom åleine hit 17.oktober 1988. 15.januar i år fyller han 16 år. Onsdag fekk ungguten brev om at han har fått opphaldsløyve på humanitært grunnlag. Han er såleis ein av dei få heldige afghanarar her i landet som har motteke eit positivt svar frå departementet før 15 månaders-regelen tok til å gjelde.

Vazeer er ein 37 år gammal kurdar frå Tyrkia. Han kom til Norge 5.oktober 1988. Tidleg i fjor vår fekk han høyre at politiet ikkje fann att papira hans, og at dei ville kontakte han for

Haidar er 35 år, også frå Af-

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vestposten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

Billig på daglegvarer

feiring

(c) ketabton.com: The Digital Library

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

Tredje steget

I november kom 10 afghanarar til Hareid. To av desse har i nærare 14 dagar sete i varetekt i Oslo, og i går vart dei sendt attende til Pakistan, som vart sett på som deira første motekarland. Den eine 15, den andre 19 år gamal. Dei åtte som er attende på Hareid ventar no i spenning på kva svar dei vil få.

PEDER MASEIDE:

Folk å minnast

Afghanistan

KR. 80,—

(c) ketabton.com: The Digital Library

innatt
et!

Ivar Grimstad kåserte om ein tur til Sovjet.

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzaih frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel.Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis,dei viser til brudd på 14 dagars-reglen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14.dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det los seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han oppteken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet maktet han å flykte, og kom då med i ei mujahedin gruppe. Seinare var han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skulen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Dei mektige leiaren hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje voro redd for å stå fram med meininga si. [illegible] han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdala. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

Vikebladet/Vestposten

Også augu

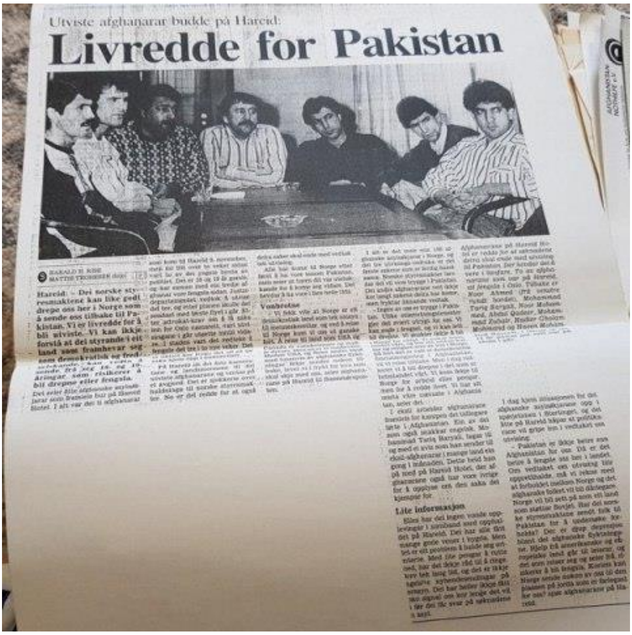

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

Hareid: – Dei norske styresmaktene kan like godt drepe oss her i Norge som å sende oss tilbake til Pakistan. Vi er livredde for å bli utviste. Vi kan ikkje forstå at dei styrande i eit land som framhevar seg som demokratisk og fredselskande, kan sende oss i fengsel [illegible]

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av ti-mannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei tror ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på samanslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei ti afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og bli geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta born...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange søsken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drog på det. -Dei er

Vi er på Hareid Hotel, midt i romma ... plakatar med motiv frå Sunni-muslimane sin religion, profetar og Koranen, ein stor plakat med dei enkle ord: DOWN WITH RUSSIA. Montasjar med bilete frå den lange krigen i Afghanistan. Til venstre har Muhammed Tariq, redaktør og utgjevar av eit eksil-afghanarar si informasjonsavis, «Dawat». Den blir laga her og distribuert frå Hareid.

Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærlege, alle har eller ein bakgrunn i geriljaen. Dei kan ikkje tenke seg å sitje uverksame den tid det har til overs etter at norskundervisninga er unnagjord. Her gjeld det å spreie informasjon om det som skjer i Afghanistan, dei er ikkje alltid nøgde med versjonane i norske media.

Organist-stilling i Hareid ledig

HAREID:

Kyrkjelyds-arbeidar i permisjo…

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 19…

20. ÅRGANG KR. 4

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRÅ HEIMANE - VÅRE KVELDEN SIDE 4

Vestposten i påska!

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg — Hareid Ror as.

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist måndag.

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det måndag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

TOK BERGEN MED STORM.

...rungavåg-slaget ...ørundfjorden!

Anders Hustadnes ...ndfjord-brosjyra

Vel-

...lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tarig Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva det kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no? Måndag kveld møtte dei Hareidpolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg ... tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

... der er ikkje slik i dag at det er ... 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. ... KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire ... afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

Tareq under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s

• ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i udådane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flykningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

- Gorbatsjov blir sett på som **ein god mann** i Vesten, men vi **afghanarane som opplever** dagleg at 3000 menn **blir drept på grunn** av ... **har eit anna** syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at dei ikkje ... kommunismen dei i første rekke vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

- Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

- Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

... ønsker al... tid. Viss ... folk på H... trigir oss.

Det ein... *leg for å ... regjeringa ... Afghanistan ... har fått ...*

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

... i Bigset Vest

Johanne Blindheim

SISTE NR. AV VESTPOSTEN I ÅR KJEM FREDAG 22.

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

SVEIN SMØRDAL HUSSTYREFORMANN

Minneord

Signe Jøsok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hyvær, Helgeland, men kom til Bjørnsund 16 år gammal. Her tente ho i 9 år [illegible] Johannes Jøsok, som då var [illegible] Dei gifte seg i 1927, kom til Jøsok og vart sjølvefolk på Johannes sin heimegard, som han i realiteten tok over så tidleg som i 1923.

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. ...

... seg ned på Strande.

Signe vart buande i Hjørungavåg, men i siste sine 5 år var ho på Hareid sjukeheim. På arbeidsstova der vov ho tallause løparar i alle storleikar og fargar som no pryder mange heimar.

Siste åra vart vanskelege. Ho var bunden til rullestol og lengta heimatt til «barndomens rike» på Helgeland. Takka vore sjukeheimsstyraren og søstrene hennar fekk ho oppfylt ønskjet sitt. Ugløymande var det å vere vitne til besøket hennar på Alstadhaug kyrkjegard, der foreldra hennar kviler, og attersynet med slekt og landskap i Hyvær.

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje: Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

Signe Jøsok vart gravlagd frå Hareid kyrkje 13. oktober. Organist Rolf Grimstad spela eit orgelstykke som innleiing på høgtida. Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utfrå Joh. 9, 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar ...

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke stifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

ROMERIKES BLAD

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8,00

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmokorsingen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.

SIDE 11

Birger med grovt skyts

SIDE 11

Kari på hjemme-

Volvo-kontra til Dyno Cipa

(c) ketabton.com: The Digital Library

TERRORANGREPET PÅ USA

Afghanistan: stormaktenes gravplass

Moské må ha politivakthold

Afghaner på Skjetten truet

Nekter å gi etter for terroren

Hadde terroristene en muldvarp i Det hvite hus?

krigen mot terror

Trøtte av krig

Afghanere i Norge er livredde for at angrepet på Afghanistan skal ramme sivilbefolkningen. – Vi støtter USAs jakt på terrorister, men kan ikke akseptere at sivilbefolkningen må lide. Da må vi reagere, sier Tariq Bazger.

«Vi må forsøke å hjelpe dem der nede så godt vi kan.»

TARIQ BAZGER

– Dette er terrorisme

Imam Abdulquddus Shaikhjami ved Sarpsborgs Muslimske Kultursenter fordømmer angrepet på Afghanistan. – Dette er terrorisme. Det er uskyldige mennesker som lider, sier han.

– Afghanistan oppløses

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

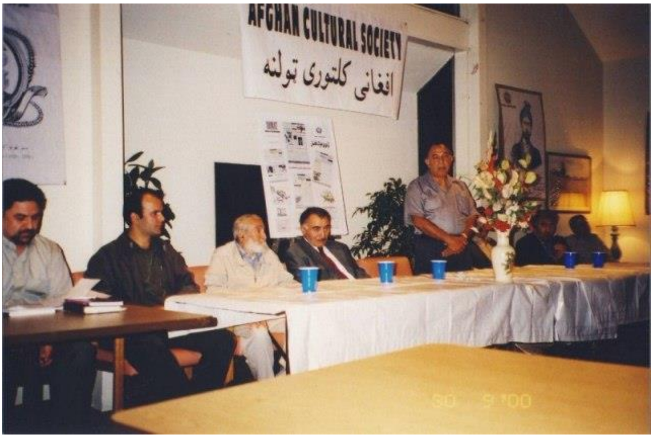

(c) ketabton.com: The Digital Library

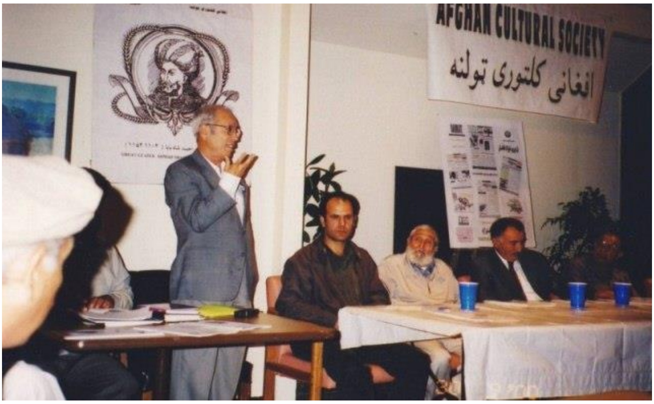

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

زلمو پاخون

پیل د بېنونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هیواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او نوښتګر ژورنالیست ښاغلي **محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوی دا ستاینلیک ورکوو او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوو.

نېټه : ۲۰۱۱.۱۲.۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه

شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزگر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد ملي کتی او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی ځلی کړی د بلی خوا د ګ دعوت" زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده ستوری په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی.

دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او ستاینه کوی اوکور ودانی درته وایی.هیله ده چه دا کلتوری پاځون ترپایه تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درناوی

پوهاند داکتر شاه ولي ارکوزی

د افغاني کلتوري ټولي مشر

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IInd Media21 workshop on Blaze during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

MEDIA 21

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

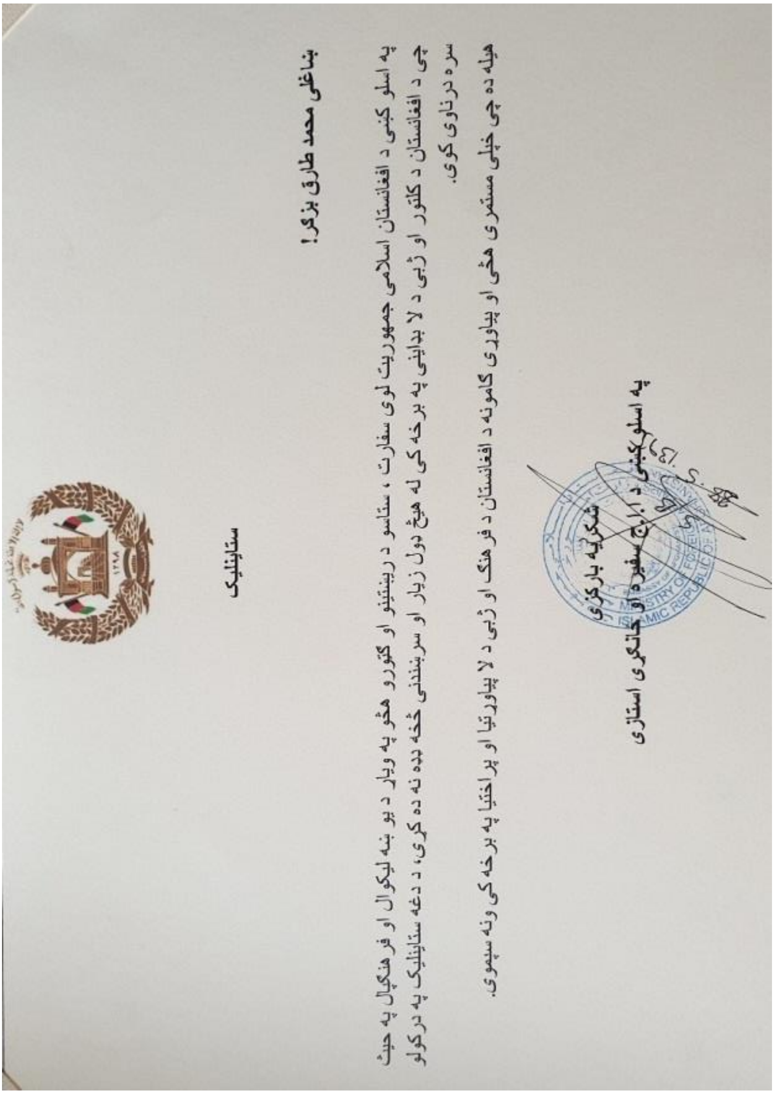

ستاینلیک

بناغلی محمد طارق بزگر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بداینې په برخه کې له هیڅ دول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ورکولو سره درناوی کوي.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړې ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموي.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ډیپلوماټو او کلتورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګیال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سرښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوي.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړي ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموي.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم څپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

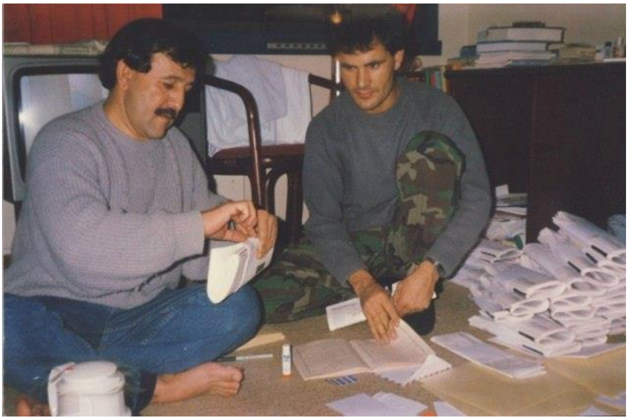

(c) ketabton.com: The Digital Library

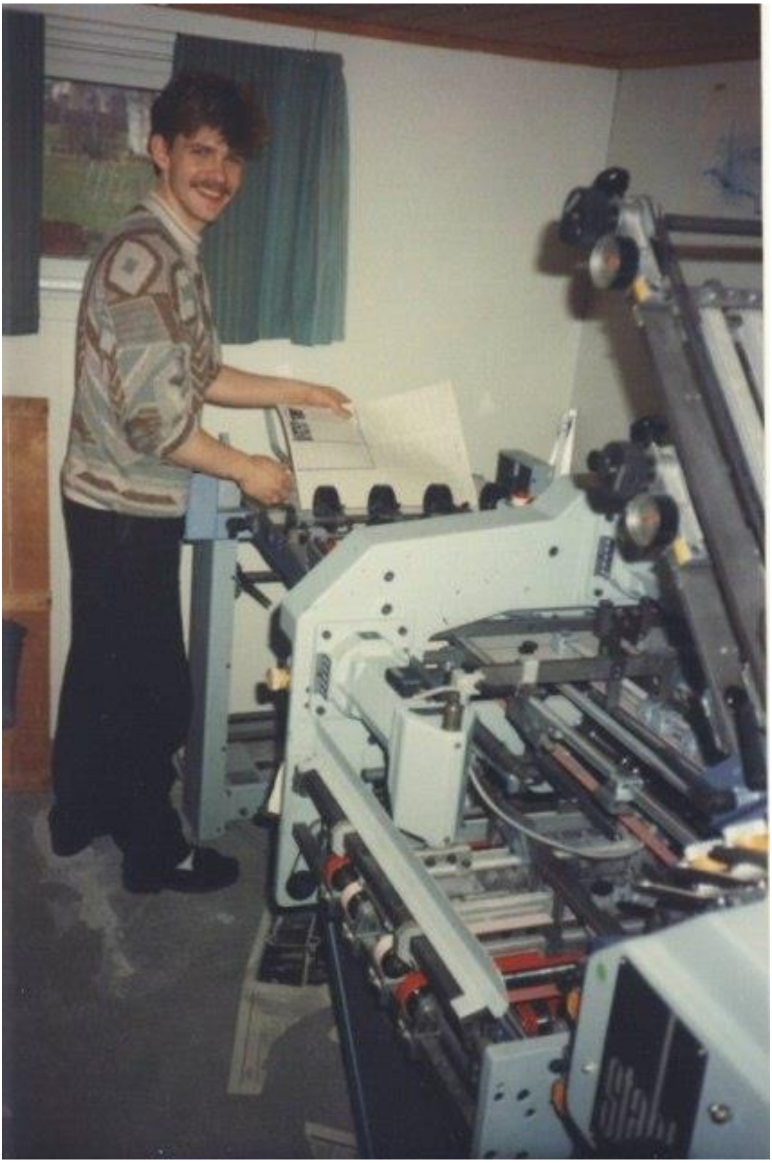

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

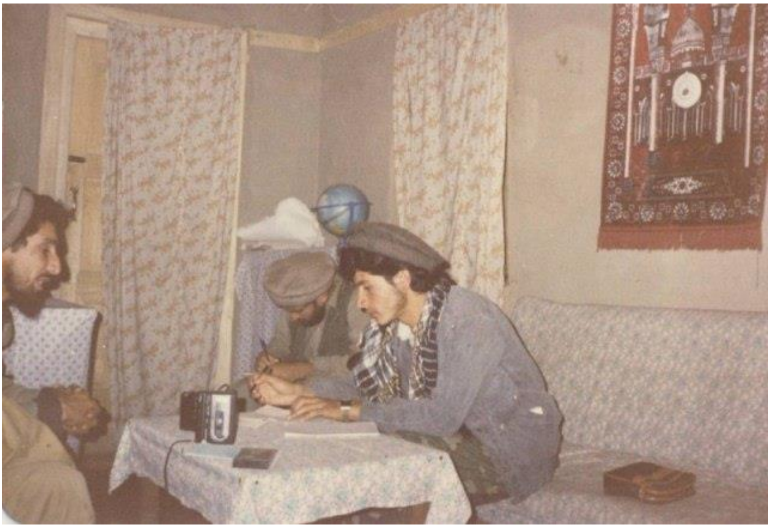

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

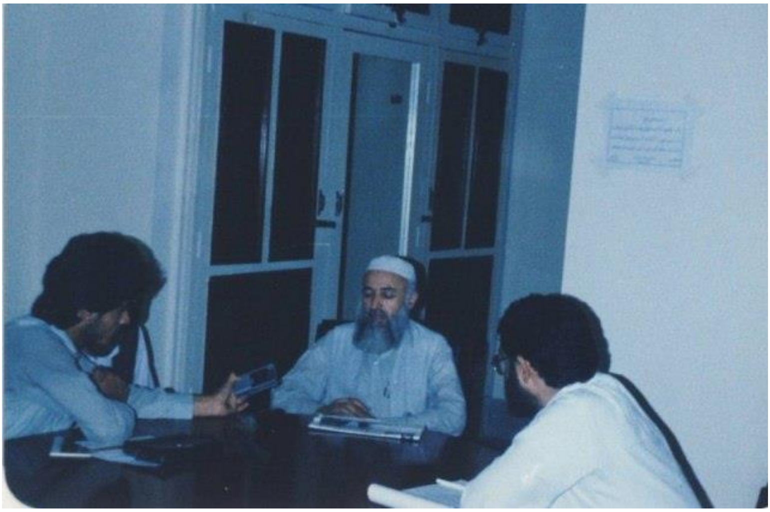

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

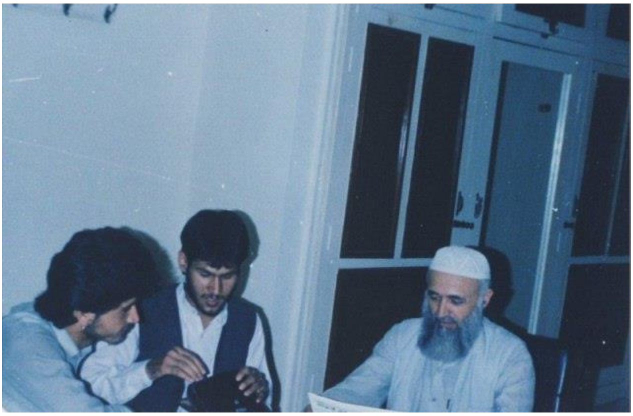

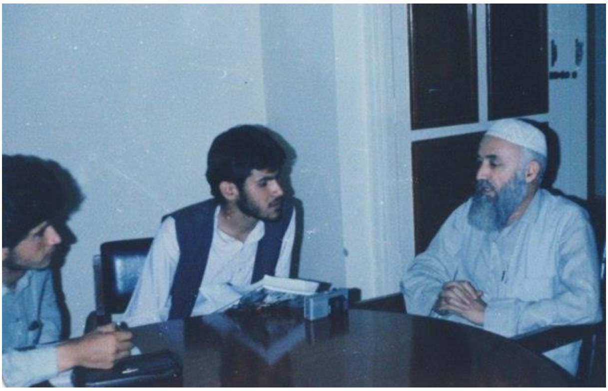

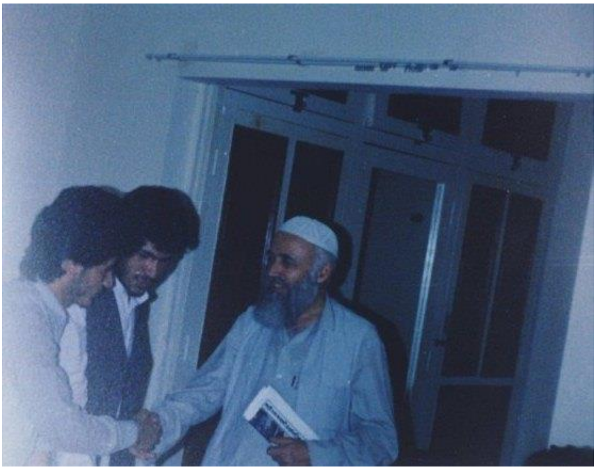

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

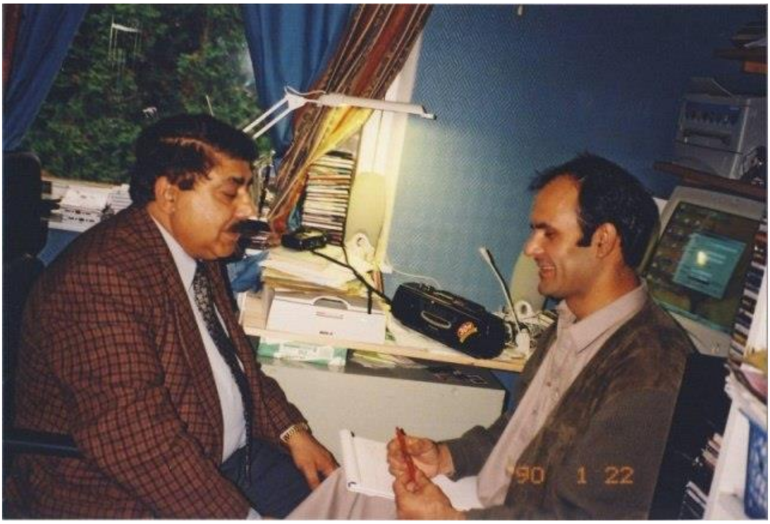

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکريم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

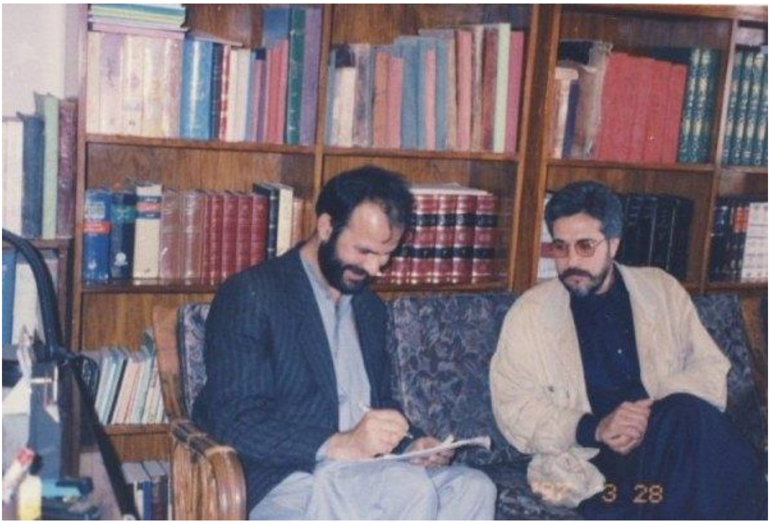

سید اسحاق گیلانی

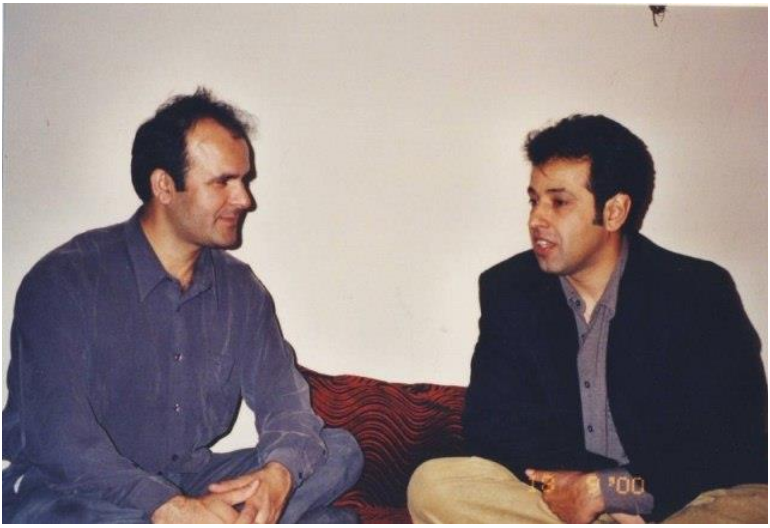

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

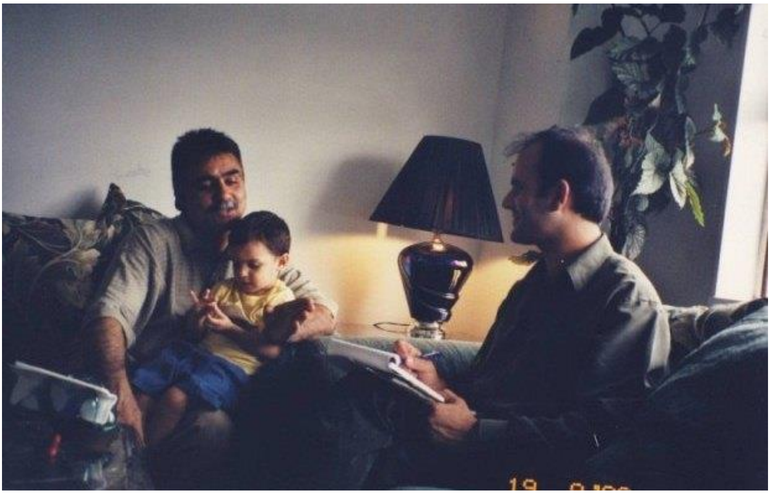

لطیف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

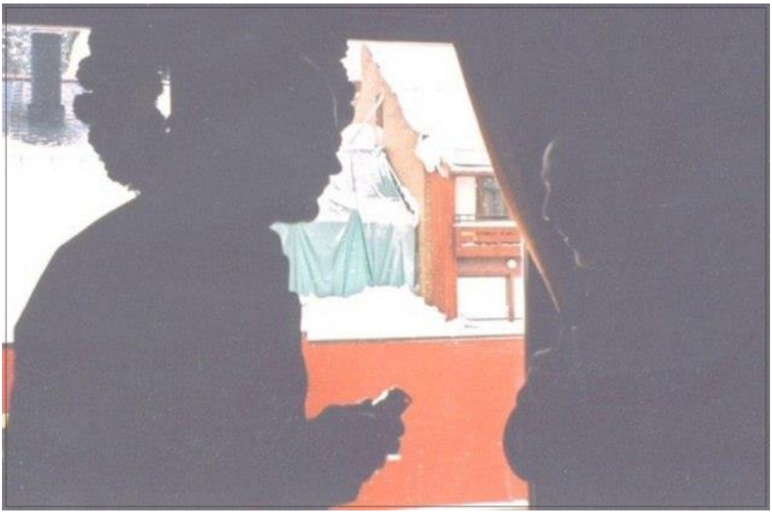

حامد کرزی

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

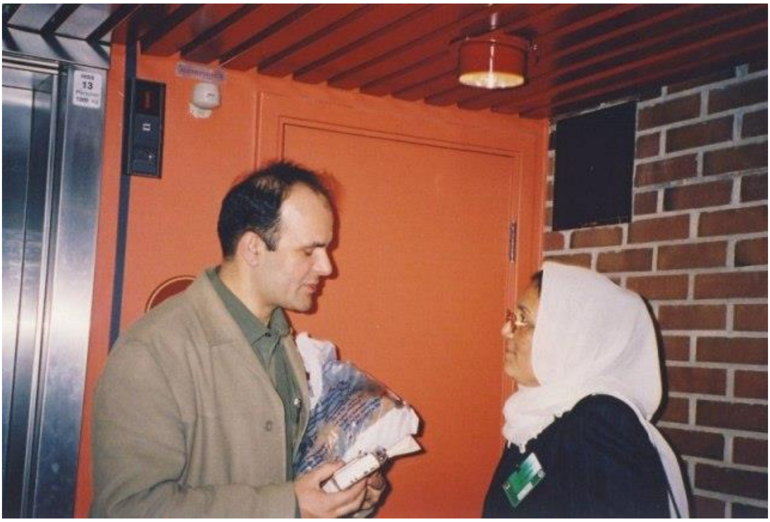

حبيبه سرابی

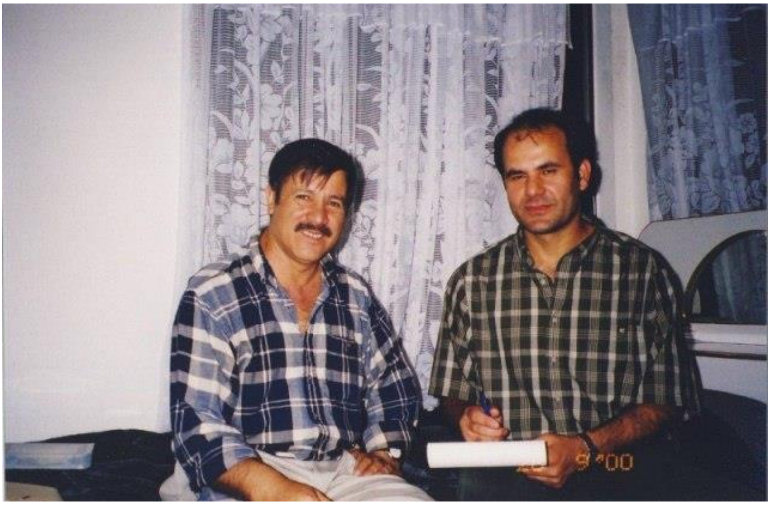

زمريالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

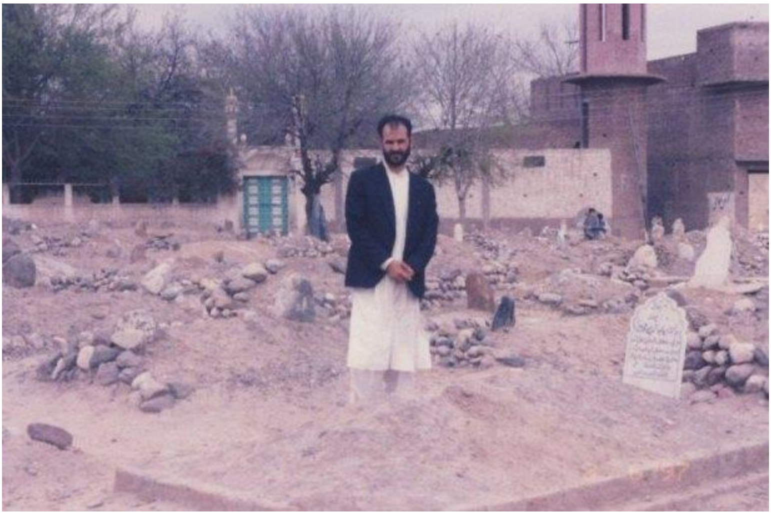

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

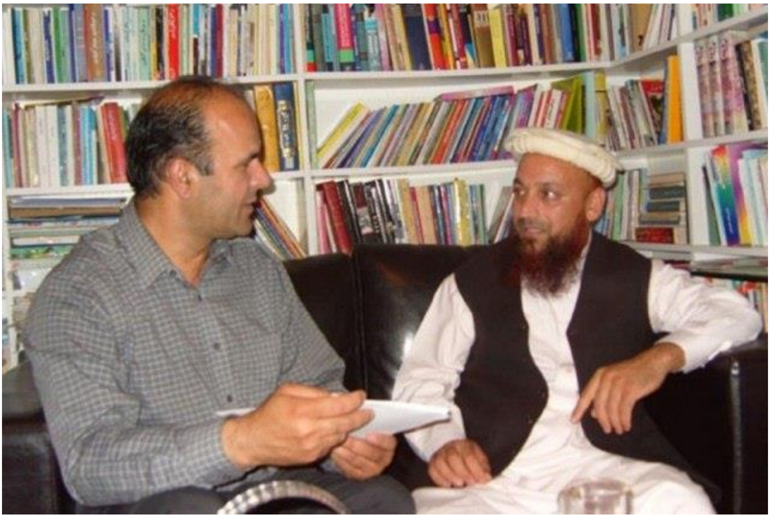

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

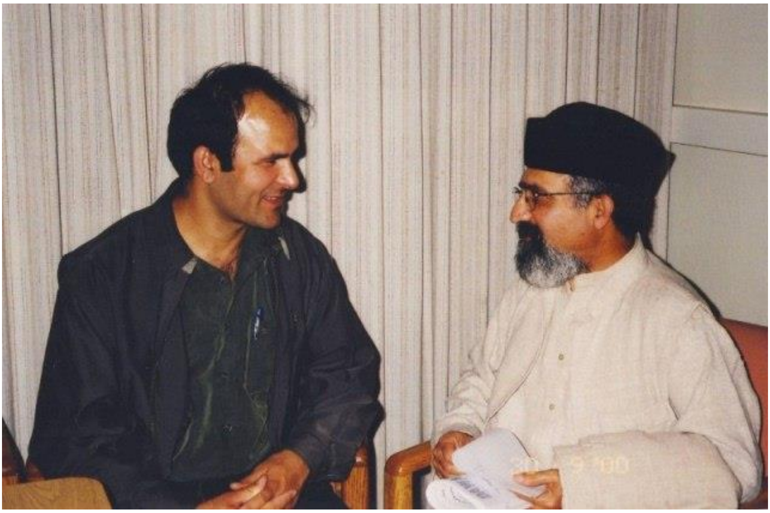

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

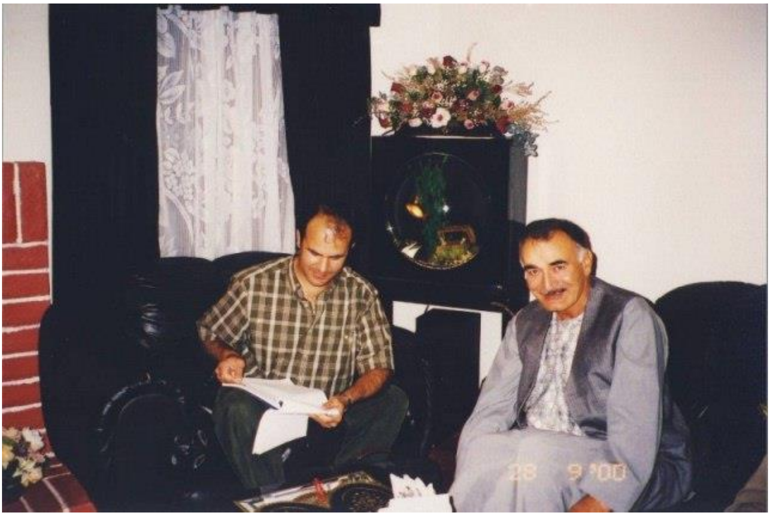

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

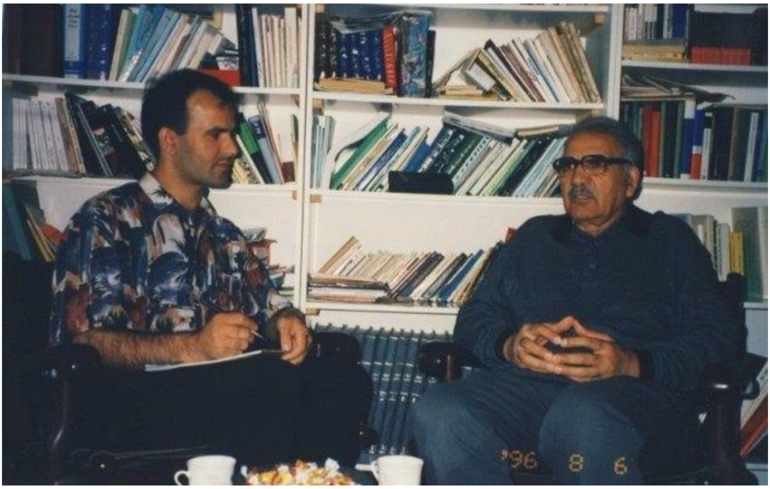

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

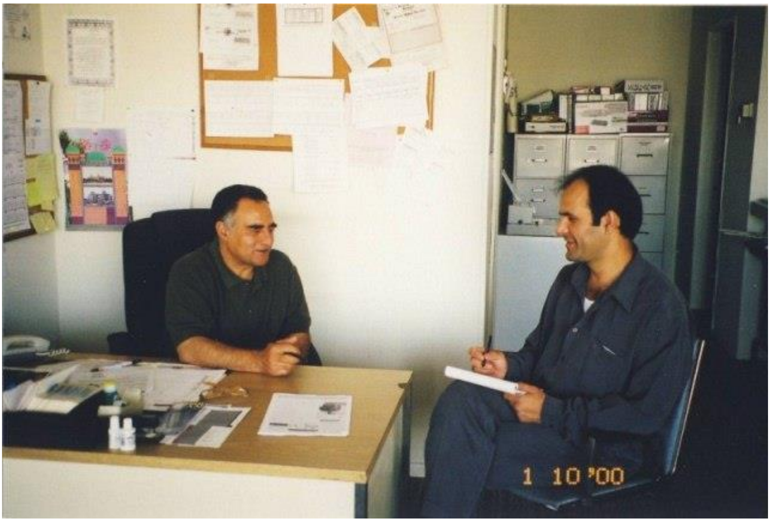

عبدالله مجروح

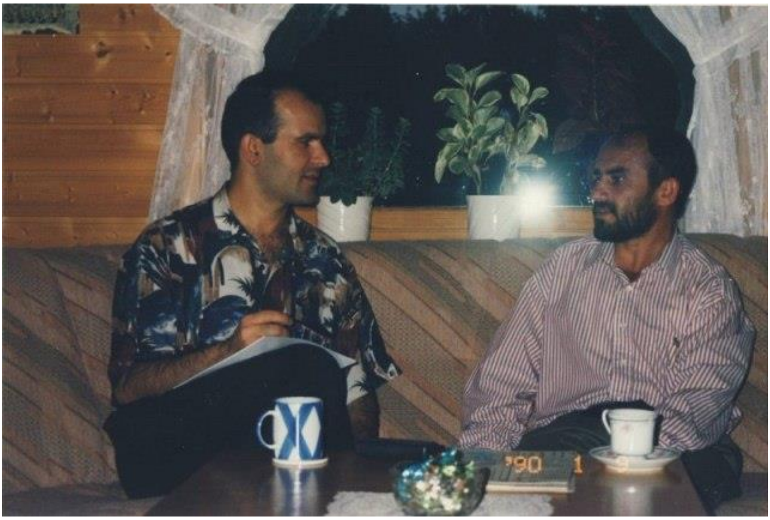

شينوارى

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منګل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

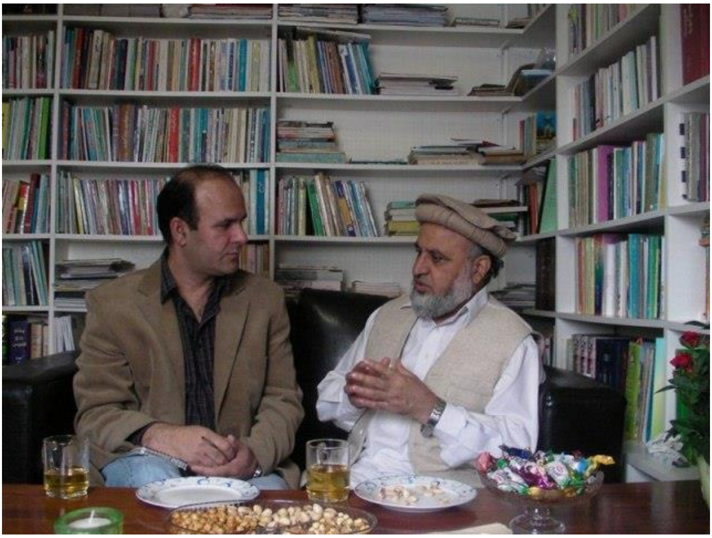

سیما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

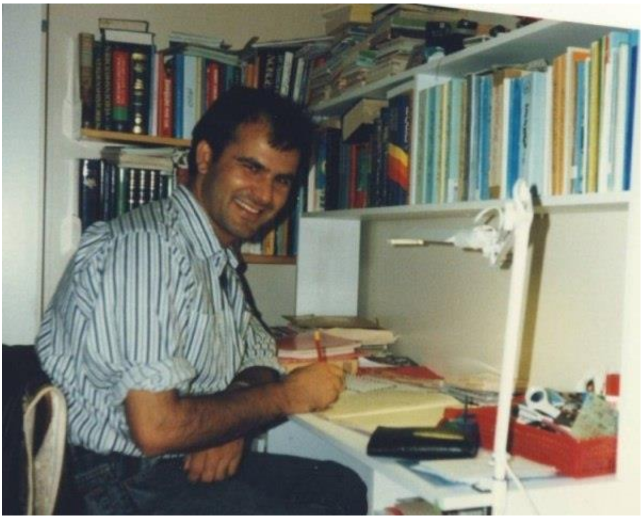

(c) ketabton.com: The Digital Library

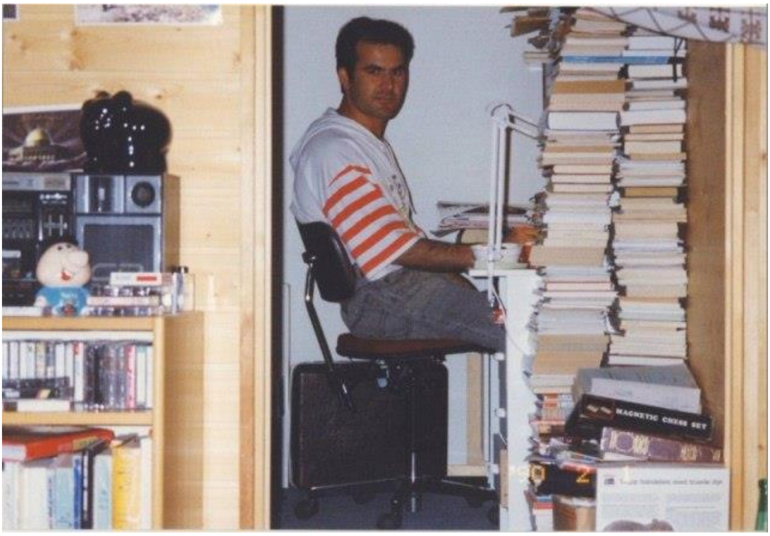

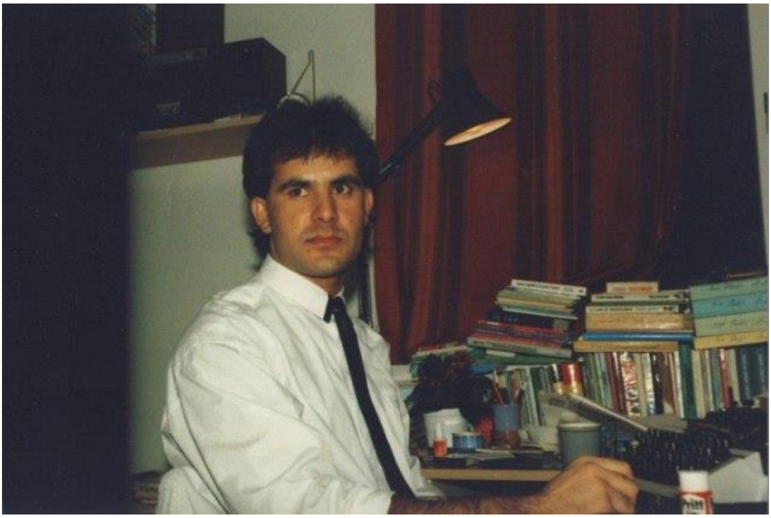

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

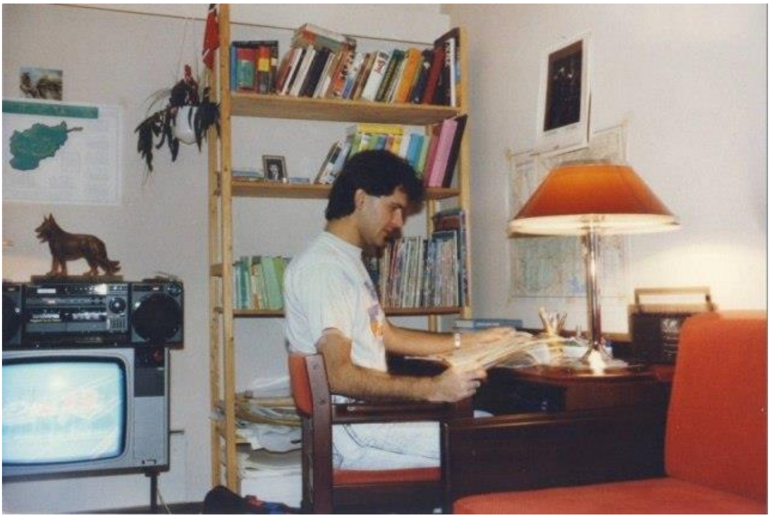

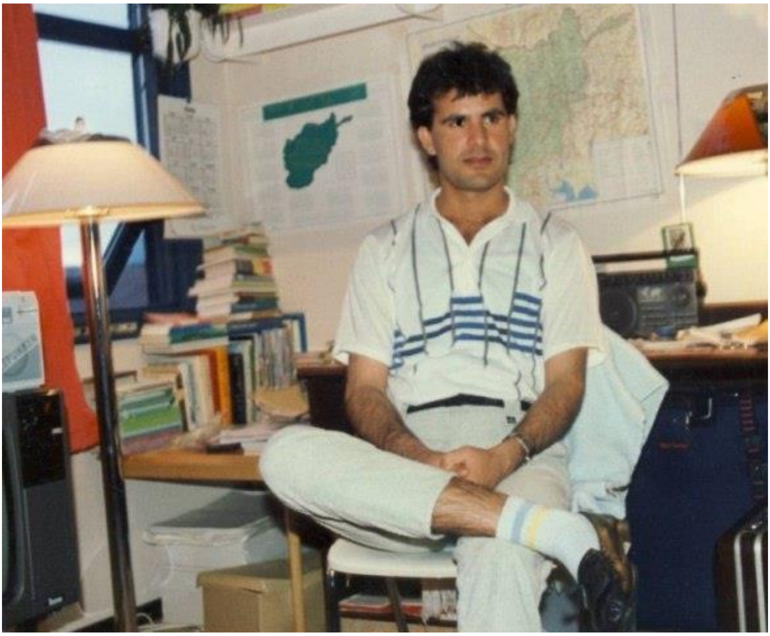

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

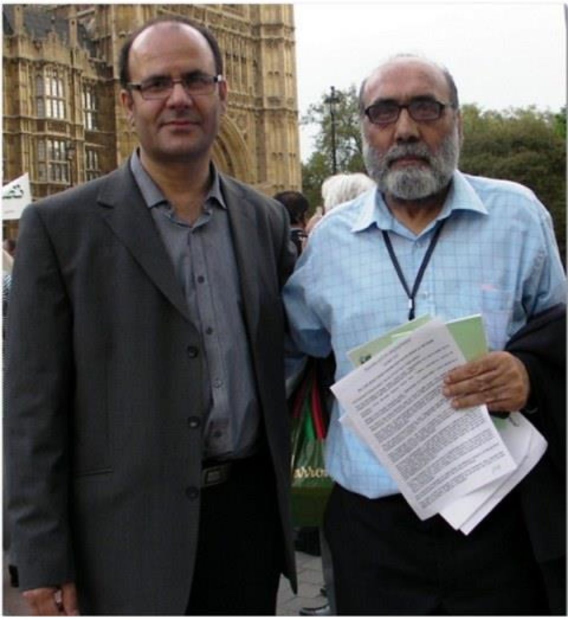

غلام محمد زرملوال

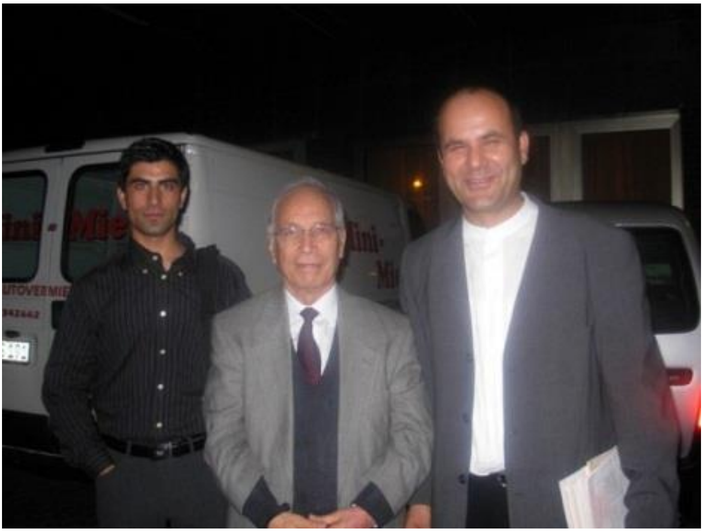

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

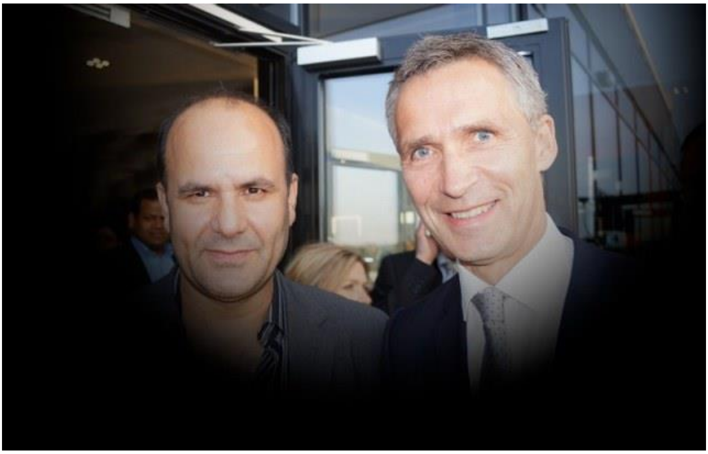

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پتول افغان»، وب سایت «پتول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۱۱- مشی «تحریك ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواك؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالك قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).

تاییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library